

زمینه فرهنگی کنش اقتصادی؛ مورد مطالعه استان کرمانشاه

شریف خسروی ترازک^۱، دکتر ابوتراب طالبی^۲ و دکتر علی انتظاری^۳

تاریخ وصول: ۹۹/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۷

چکیده:

پژوهش حاضر تحت عنوان «زمینه فرهنگی کنش اقتصادی؛ مورد مطالعه استان کرمانشاه» با هدف کشف و ارائه الگویی از زمینه‌های فرهنگی کنش اقتصادی در بین شهروندان کرمانشاه صورت گرفته است. ادبیات نظری پژوهش نیز ملهم اقتصاد نئوکلاسیک، نظریات رونالد اینگلهارت، کریستین ولزل، ماکس وبر، ورنر سومبارت و نظریه خرده فرهنگ دهقانی می‌باشد. روش تحقیق از نوع کیفی می‌باشد. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز مصاحبه نیمه ساخت یافته بوده است. مصاحبه پس از اجرا بین ۳۵ نفر از افراد نمونه که به صورت هدفمند انتخاب شدند، به اشباح نظری رسید. کدگذاری داده‌ها نیز به سه صورت کدگذاری باز، محوری و انتخابی می‌باشد، و کدهای استخراج شده بر اساس منطق اشتراوس و کوربین در قالب یک الگو تدوین شده است. برای سنجش روایی از نظر متخصصان و برای سنجش پایایی از آزمون مجدد روش انجام کار استفاده نموده‌ایم. نتایج تحقیق نشان داد که الگوی پارادایمی کنش‌های اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در بخش شرایط علی تحت تأثیر عوامل فرهنگی گوناگون از قبیل دین و مذهب، آداب و رسوم و ضرب‌المثل‌ها قرار می‌گیرند. اثرگذاری این عوامل تحت شعاع عوامل زمینه‌ای که بیشتر جنبه‌ی مکانی و زمانی دارد، و همچنین شرایط مداخله‌ای که به نگاه‌های درونی فرد و نگاه‌های اجتماعی مردم بر می‌گردد، قرار می‌گیرد. قضیه بعدی در مدل طراحی شده مربوط به مقوله پدیده‌محوری می‌باشد. مفاهیم مربوط به پدیده‌محوری در کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در پنج دسته (ماهیت پول در زمان و مکان، عوامل درونی رفتارهای اقتصادی، عوامل اجتماعی رفتارهای اقتصادی، نوع نگاه به انباشت سرمایه و نوع فعالیت‌های اقتصادی) قرار می‌گیرند. در نهایت راهبردها بر پایه قضایای پیشین با ایجاد آمادگی ذهنی در بین کنشگران جهت مواجهه با پول، کار و پس‌انداز منجر به پیامدهایی می‌شود که کنش اقتصادی را در پی دارد.

مفاهیم کلیدی: کنش اقتصادی، کار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
belvasi4@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران rievat@gmail.com

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران ali@entezari.ir

مقدمه و بیان مسأله

کنش اقتصادی، کاربرد مسالمت‌آمیز منابع تحت اختیار یک فرد در جهت بهره‌گیری اقتصادی است که عموماً با کنشی که "جهت اقتصادی" دارد متفاوت است؛ در مورد اخیر فرد طبق مفهوم ذهنی‌اش، به دنبال ارضاء تمایلات خود بر اساس مطلوبیت‌ها است (Weber, 1978). در حالی که "کنش اقتصادی" دارای جهت‌گیری آگاهانه نسبت به اهداف اقتصادی است و لذا نیت و آگاهی افراد که خود محصول تربیت کنشگر در فرهنگی خاص است، از ارکان اصلی آن به شمار می‌رود، اما در جهت‌گیری اقتصادی تنها بحث مطلوبیت و لذت کسب شده ناشی از کنش مطرح می‌باشد.

اینکه یک فرد با نیت سرمایه‌گذاری در موضوعی خاص، به گونه‌ای بین درآمد و مخارج خود تعادل برقرار نماید که موضوع موردنظر در زمان تعریف شده محقق شود، یک کنش اقتصادی است اما اگر همان فرد با قصد خرید یک خودرو وارد نمایشگاه شود و اقدام به خرید نماید، کارش نه کنش اقتصادی، بلکه دارای جهت‌گیری اقتصادی است در مورد اخیر دامنه‌ی محاسبات فرد محدود و به نوعی مطلوبیت خود را با خرید خودرو حداکثری کرده است، اما در کنش اقتصادی زنجیره‌ای از تصمیمات محاسبه شده اتفاق افتاده است.

بررسی وضعیت نه چندان مناسب شاخص‌های اقتصادی استان کرمانشاه و مقایسه‌ی آن با استان‌هایی مانند آذربایجان شرقی، اصفهان و یزد که وضعیت زیرساختی، انسانی و جغرافیایی تقریباً مشابهی با هم دارند، بیانگر این موضوع است که عاملی بغیر از وضعیت‌های ذکر شده موصوف، در رفتار اقتصادی عاملان مؤثر بوده است که سطح متفاوتی از پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و رفاه اقتصادی را رقم زده است و آن محیط تربیتی است که قواعد حاکم بر کنش شهروندان هر منطقه را تعیین کرده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، به‌طور نسبی درآمد سرانه‌ی استان کرمانشاه در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ پائین‌تر از متوسط کشوری قرار داشته است (این درآمد در سال ۷۵ در کرمانشاه ۰/۸۷۵ و در کل کشور ۰/۸۹۵، و در سال ۹۰ این میزان در کرمانشاه ۰/۴۷۹ و در کل کشور ۰/۶۶۲ بوده است). گر چه درآمد سرانه در سایر مناطق کشور نیز در این سال‌ها رو به کاهش بوده است، اما نسبت کاهش آن در استان کرمانشاه شیب تندتری داشته است، به گونه‌ای که نسبت شاخص درآمد سرانه سال ۹۰ به همین شاخص در سال ۷۵ برای استان کرمانشاه به ۵۵ درصد رسیده است، در حالیکه همین شاخص برای سیستان و بلوچستان ۶۶/۵ و برای کل کشور ۷۴ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ رشد جمعیت استان کرمانشاه طی این دوره پائین‌تر از نرخ رشد

جمعیت کل کشور بوده است و قاعدتاً باید سرانه‌ی درآمدی خانوار افزایش می‌یافت. وضعیت یاده شده نه تنها بیانگر آن است که شهروند کرمانشاهی در مقایسه با یک شهروند متوسط کشوری، از قدرت خرید و رفاه کمتری برخوردار شده است، بلکه به تبع، میزان پس‌انداز آن نیز کاهش یافته است که این خود کاهش سرمایه‌گذاری را در پی داشته. در این راستا گزارش‌های مالی و پولی در سال ۱۳۹۲ از وضعیت مراکز استان‌های کل کشور، نشان می‌دهد که میزان پس‌انداز در میان مردم کرمانشاه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، به نحوی که بر اساس آمار منتشره از مرکز آمار ایران میانگین سپرده پس‌انداز در بانک‌های کرمانشاه در سال ۱۳۹۲ حدود ۳.۴۷۷.۲۷۴.۰۰۰ ریال گزارش شده است و همین آمار در اصفهان حدود ۱۴.۱۵۳.۵۳۰.۰۰۰ ریال می‌باشد. بنابراین تفاوت تقریباً سه برابری بین این دو استان نشان از وضعیت نامطلوب پس‌انداز در استان کرمانشاه دارد، که در این پژوهش ریشه‌های فرهنگی مسأله، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر چند آمارهای ذکر شده، همگی اشکال پس‌انداز را احصاء نمی‌کند و موارد دیگری از آن نیز در قالب خرید املاک و اشیای قیمتی وجود دارد، اما این نیز متأثر از نگاه‌های فرهنگی مردم، در خصوص نحوه‌ی پس‌انداز است.

کار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری سه مؤلفه‌ی اصلی در کنش اقتصادی هستند که مورد بررسی قرار می‌گیرند. بر اساس آمار مرکز آمار ایران، استان کرمانشاه، دارای بالاترین نرخ بیکاری (۲۰/۴ درصد) در سال ۱۳۹۵ بوده است. در خصوص پس‌انداز نیز بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، میل نهایی به پس‌انداز در استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۶ حدود ۰/۴۹ درصد و این میزان در کل کشور برابر ۰/۷۲ بوده است. در سال ۹۲ این میزان در کرمانشاه به ۰/۳۱ درصد و در کل کشور به ۰/۷۰ درصد رسیده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که میل نهایی به پس‌انداز در کرمانشاه بسیار پایین‌تر از میانگین کشوری است. با توجه به آنچه ذکر آن رفت، به نظر می‌رسد دلیل این امر را بایستی در فرهنگ پس‌انداز این منطقه جستجو کرد. به لحاظ سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف نیز استان کرمانشاه در سطح بسیار پائینی قرار دارد، به نحوی که در استان آذربایجان شرقی بیش از دو برابر استان کرمانشاه سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون انجام گرفته است. حال مسأله اینجاست که استان آذربایجان شرقی و کرمانشاه که ویژگی‌های زیست‌محیطی تقریباً مشابهی دارند، چه چیزی این تفاوت را رقم زده است؟ یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های متمایز کننده وضعیت اقتصادی این دو استان، فرهنگ آنها (فرهنگ کار، مصرف، پس‌انداز و ...) می‌باشد.

در پژوهشی تحت عنوان نقشه‌ی راه توسعه‌ی استان کرمانشاه، تحلیل‌های متفاوتی از وضعیتی که این استان به آن گرفتار شده، ارائه شده است. به نظر می‌رسد بنیادی‌ترین علل وضعیت کنونی استان را می‌توان در نظام معیشتی عشایری، مدرنیته‌ی ناقص، جنگ تحمیلی، ارجحیت احساسات بر عقلانیت در رفتارهای مذهبی، نگرش تاریخی تساوی اقتدار با امنیت و تسلط نگرش ایدئولوژیک به جای شایسته‌سالاری در انتصابات، پائین بودن فرهنگ کار، پائین بودن امنیت اجتماعی (به‌عنوان بستر اصلی جذب و انباشت سرمایه) و مهم‌تر از همه وجود انواع اختلال‌های ارتباطی در سطوح مختلف در استان جستجو کرد. به‌طوری که این عوامل، میل به پس‌انداز را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kermanshah Development Road Map, 2013). پائین بودن فرهنگ کار، یکی از مواردی است که در بررسی نقشه راه توسعه‌ی استان کرمانشاه، مورد اشاره قرار گرفته و می‌تواند عاملی مهم در تحلیل کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی باشد که به تبع آن، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد. همچنین در بررسی کنش اقتصادی یک جامعه، مراجعه به ضرب‌المثل‌ها، بررسی نوع نگاه و باورداشتهای مردم درباره‌ی ثروت و سرمایه که محصول فرهنگ و یا سنت‌ها و هنجارهای مردم آن سامان است، اهمیت می‌یابد. در واقع همین باورداشتهای و انگیزه‌هاست که رفتارها و کنش‌های اقتصادی ویژه‌ای را بوجود آورده است، به‌طوری که دیگر نمی‌شود برای بررسی رفتارهای اقتصادی تنها به فرمول‌ها و الگوهای اقتصادی صرف، توجه نمود و از فاکتورهای فرهنگی غفلت نمود. لذا این پژوهش به دنبال بررسی و کاوش ریشه‌های فرهنگی، باورها و آداب و رسوم می‌باشد که بر نحوه‌ی عمل و کنش اقتصادی افراد تأثیرگذار است. پنداشته‌ها و ته‌نشست‌هایی که حتی اثرگذاری دنیای مدرن و صنعتی‌شدن را در مواجهه دیگرگونه با ثروت و انباشت آن، کند و یا حتی خنثی نموده است. بنابراین نمی‌توان از این باورها و پنداشته‌ها که در قالب فرهنگ، در افراد درونی شده غفلت نمود.

در نهایت می‌توان گفت که پژوهش حاضر، ضمن اذعان به نقشی که نهادهای پهن دامنه از قبیل دولت، بازار جهانی تبلیغات و ... در شکل‌گیری ذهنیت‌ها و باورهای افراد در نحوه‌ی تعامل و کنش اقتصادی دارد، تمرکز خود را به بررسی باورها و پنداشته‌هایی معطوف کرده که ریشه در فرهنگ مردم کرمانشاه دارد. به همین منظور در این پژوهش ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که زمینه‌های فرهنگی کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی کدامند؟ و چه راهبردهایی را می‌توان برای کنش‌های اقتصادی از قبیل کار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در بین شهروندان کرمانشاهی اتخاذ نمود؟

مبانی نظری پژوهش

بحث کنش اقتصادی در ایران، ابتدا در اندیشه‌ی روشنفکرانی نظیر؛ احمد اشرف، مهدی بازرگان، سید جواد طباطبایی، محمدعلی کاتوزیان و یرواند آبراهامیان، در مقایسه با آنچه سرمایه داری در غرب نامیده می‌شود مورد چالش قرار گرفت. آنها بیشتر این مسأله را دنبال کرده‌اند که، چرا در ایران سرمایه‌داری به شکل غربی‌اش پیش نرفته و نهادینه نشده است؟ این اندیشمندان با مطالعه‌ی کنش‌های اقتصادی مردم ایران، پاسخ‌های متفاوتی را از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ارائه نموده‌اند. برخی مانند اشرف، وضعیت نیمه استعماری ایران و وابستگی به غرب و شرق را از دلایل اصلی رفتار اقتصادی ایرانیان دانسته است (Ashraf, 1980). مهدی بازرگان خصیصه‌ی زراعت‌پیشگی ایرانیان را که سبب شکل‌گیری صفاتی از قبیل بردباری، شلختگی، وارهایی، نوسان‌های زندگی، زمین‌گیری، تک‌زیستی، سازگاری، روح مذهبی و تفرقه‌ی اجتماعی و مسأله‌ی امنیت می‌شود، را در تبیین کنش‌های اقتصادی ایرانیان ملاک قرار می‌دهد (Bazargan: Untitled, 20-24). سید جواد طباطبایی نیز ریشه‌ی عدم حرکت به سمت سرمایه‌داری و کنش‌های اقتصادی عقلانی را در انحطاط فکری ایرانیان می‌داند. وی نشانه‌هایی را که زمینه‌ساز انحطاط فکری در ایران شده را شناسایی می‌کند، این نشانه‌ها عبارتند از: تصوف، حکمت عملی در ایران، جدال سنت و مدرنیته، تقدیرگرایی، مشکل امنیت و فقدان نظام حقوقی، فقدان باز سنجش در خردورزی و اندیشه‌ی ایرانی و فقدان نقادی از سنت (Tabatabaee, 2001). محمدعلی کاتوزیان برای تبیین رفتار اقتصادی ایرانیان به نظریه‌ی استبداد شرقی متوسل می‌شود. در واقع کاتوزیان ساختارهای دولتی به جا مانده از دوران گذشته، که استبداد را با خود به یدک کشیده‌اند را در تحلیل رفتار اقتصادی ایرانیان اثرگذار می‌داند، ساختاری که به شدت مالکیت منابع را تحت شعاع خود قرار می‌دهد (Katouzian, 2007). یرواند آبراهامیان نیز در چارچوب تئوریک کتاب مهم خود، "ایران بین دو انقلاب" به صراحت خود را پیرو نوع نگاه E. P. Thompson می‌داند. در آثار دیگری که چه در قالب مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران (۱۹۹۸) و چه در کتاب "تاریخ ایران مدرن" به ردپای این مشرب فکری می‌توان برخورد. آبراهامیان ذیل این رویکرد و مشابه تامپسون طبقه را صرفاً بر حسب ارتباط آن با شیوه‌ی تولید (آن‌گونه که مارکسیست‌های سنتی اغلب معتقدند) در نظر نمی‌گیرد، بلکه برعکس در متن زمان تاریخی و اصطکاک اجتماعی آن با دیگر طبقات معاصر درک کرد. آبراهامیان معتقد است که ایران سرزمین تفاوت‌های قومی و زبانی بود و تفاوت‌های مذهبی شکاف‌های موجود را

تشدید می‌کرد. به این ترتیب، ساختار قومی ایران به موزاییک پیچیده‌ای شبیه بود که در آن هر تکه‌ای شکل و اندازه و رنگ متفاوتی داشت. اگر عبارت واحدی بتواند این وضع را توصیف کند، بی‌تردید تنوع گروهی است. سازمان‌های گروهی سلسله مراتبی و موازی، بازتابی از ساختارهای اجتماعی بود (Abrahamian, 1998: 17). آبراهامیان با توصیف سازمانی‌های گروهی در ساختار اجتماعی ایران، مهم‌ترین ویژگی ایران قرن سیزدهم را برخورد گروهی معرفی می‌کند. او تبدیل شدن دگرگونی گروهی به رقابت گروهی را نتیجه سه عامل می‌داند. "نخست، کشمکش بر سر منابع کمیاب به‌ویژه اراضی حاصل‌خیز و قنات‌های آبیاری. دوم، این تصور رایج که اقتصاد نمی‌تواند رشد مداوم داشته باشد و تنها با فدا کردن دیگری می‌توان به نوایی رسید. سوم، رقابت برای کسب مقام‌های اداری در محل. به این ترتیب تنوع گروهی به سهولت به انشعاب گروهی می‌انجامد: وحدت ملی به تفرقه‌ی ملی و اشتراک گروهی به تنگ‌نظری منطقه‌ای و تشتت سیاسی بدل می‌شد" (Ibid: 24).

برخلاف اقتصاددانان کلاسیک که فرض و تحلیل‌های خود را بر "انسان عقلایی" استوار کرده‌اند و بر این عقیده‌اند که انسان به ماهو انسان، در رفتارهای اقتصادی خود بر اساس خرد، بهترین انتخاب را خواهد داشت، کنش‌های متفاوت افراد، در محیط‌های گوناگون، اندیشمندان را بر آن داشت که علاوه بر بُعد عقلانی رفتار، به ابعاد احساسی و ارزشی کنش اقتصادی نیز که ریشه در فرهنگ هر محیط دارد، توجه نمایند. این نگاه به رفتارهای اقتصادی توجه ما را به آن دسته از نظریات اقتصادی پیوند می‌دهد که در کنار پرداختن به رفتار عقلایی و اقتصادی صرف، به موضوعات اجتماعی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای نموده‌اند. مفاهیمی چون ایدئولوژی و باورها، سنت‌ها و آداب و رسوم را به‌عنوان نهادهای غیر رسمی، برای شناخت دقیق‌تر رفتارهای اقتصادی وارد تحلیل‌شان نموده‌اند. امروزه این دسته از نظریه‌پردازان بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و علیرغم توجه به نظریات کلاسیک و نئوکلاسیک در اقتصاد، مفاهیم جدیدی را به نظریات خود اضافه کرده‌اند، که باعث پیوند بیشتر با نظریه‌پردازان حوزه‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی شده‌اند. از این‌رو پژوهش حاضر در نظر دارد با نظریات این دسته از اندیشمندان (از قبیل وبر، سومبارت، پارسونز و نورث) به بررسی موضوع بپردازد. در کل در زمینه‌ی ارتباط فرهنگ و اقتصاد دو نوع نگاه وجود دارد. برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که این اقتصاد است که به فرهنگ شکل می‌دهد و در واقع اقتصاد و به سخن دیگر سرمایه‌داری سعی در یک دست کردن فرهنگ و همشکل کردن آن دارد، این دسته از تحقیقات بیشتر متأثر از

اندیشه‌های کارل مارکس (۱۸۶۷)، می‌باشد. در مقابل رویکردی دیگر سعی در شناسایی تأثیرات فرهنگ بر اقتصاد تأکید دارد که بیشتر این دیدگاه متأثر از نظرات ماکس وبر (۱۹۰۴) و ورنر سومبارت (۱۹۰۲)، می‌باشد. در پژوهش حاضر نیز به پیروی از سومبارت و وبر به اثرات فرهنگ بر اقتصاد پرداخته می‌شود.

ماکس وبر، ضمن تمایز قائل شدن بین انواع کنش‌ها، کنش معطوف به هدف و عقلایی را عاملی تعیین‌کننده در تحول جوامع صنعتی می‌داند، در حالی که جوامع سنتی عمدتاً از کنش‌های ارزشی، عاطفی منفعل و سنتی بهره می‌برند که موجب توسعه و پیشرفت نمی‌شوند (Weber, 1978: 71-75). همچنین وبر در نظریه‌ی اخلاق پروتستان و روحیه‌ی سرمایه‌داری، روابط حیات دینی و اجتماعی و اقتصادی در فرهنگ معاصر را بررسی کرد. او رابطه‌ی باورهای دینی افراد با رشد حیات اقتصادی و عقلانی بورژوازی را همسو تلقی نمود. مبانی اندیشه‌ی وبر در نظریه‌ی مزبور معرف توجه او به توازن عوامل معنوی و مادی در تحول تاریخ و زنجیره‌ی علل رابط میان نقش ارزش و تعیین جهات کنش است (Weber, 1930). البته توجه به ریشه‌های فرهنگی از این گفته داگلاس نورث نشأت می‌گیرد که ریشه‌ی شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارها که به نوبه‌ی خود رفتارها و تصمیمات اقتصادی را ایجاد می‌کند، ریشه در فرهنگ آن محیط خاصی دارد که کنش اقتصادی در آن صورت می‌پذیرد (North, 1997)، که در نظریه‌ی وبر نیز نمایان است. البته این مسأله در جامعه‌ی چندفرهنگی ایران نمود بیشتری دارد و می‌توان شاهد رفتارهای اقتصادی متفاوتی در مناطق مختلف کشور بود به‌عنوان مثال در استان همدان که در همسایگی کرمانشاه قرار دارد، توجه به مقوله‌ی مادیات و حسابگری به گونه‌ای است که در خصوص آنها این مثل نهادینه شده است "یه تومان هم یک تومانه"، اصفهانی‌ها بین خرج و برج تفاوت قایل هستند و مردمان آذربایجان شرقی رفتار بسیار حسابگرانه‌ای دارند، اما نگاه به مادیات در کرمانشاه بر اساس مشاهدات متعدد میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته، در مراسمات مختلف هزینه‌های غیر ضروری و نیز رفتارهای غیر حسابگرانه در رفتارهای اقتصادی به وفور مشهود است و با فروض انتخاب عقلایی در اقتصاد فاصله دارد. نورث معتقد است که برای تبیین رفتارهای اقتصادی می‌بایستی به ریشه‌های انتخاب‌های فردی توجه داشت. در واقع نورث به نوعی به دنبال ترکیب نظریه‌ی نئوکلاسیک دولت و نظریه‌ی انتخاب عمومی است، تا بتواند از این طریق چارچوب‌هایی را که افراد در قالب آن دست به تصمیم‌گیری می‌زنند، تبیین کند. آنچه که در اندیشه‌ی نورث مهم می‌نماید توجه او به دولت به‌عنوان نهادی اثرگذار بر این تصمیمات می‌باشد

(North, 1997). لذا در پژوهش حاضر نیز همان‌طور که در تبیین رفتار اقتصادی ایرانیان اندیشمندانی از قبیل کاتوزیان و آبراهامیان به جنبه‌ی استبدادی دولت نظر داشتند و با توجه به اهمیت نقش دولت در اندیشه‌ی نورث به نقش آن از دیدگاه کنشگران توجه می‌شود. اقتصاد رفتاری نیز در تقابل با انتخاب عقلانی در اقتصاد متعارف شکل گرفت. مهم‌ترین اندیشمند این حوزه، ریچارد تالر می‌باشد. تالر تفاوت رفتار واقعی با فروض اقتصاد متعارف را نوعی انحراف و ناهنجاری در تحلیل بازار می‌داند و توجه خود را به جنبه‌های روان‌شناسانه رفتار معطوف می‌کند (Thaler, 2016). در راستای نظریات تالر پژوهش حاضر نیز در نظر دارد که به جنبه‌های شخصیتی رفتار افراد توجه نموده و جنبه‌های عاطفی و احساسی رفتار افراد را در تحلیل کنش اقتصادی آنان مدنظر قرار دهد.

نظریات رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل در حوزه‌ی تغییر فرهنگی نیز، در تحلیل کنش اقتصادی از منظر فرهنگ کارساز می‌باشد. «با گسترش توسعه‌ی اقتصادی، تغییر فرهنگی به‌وجود آمده از بودن به سوی ابراز بودن و تأثیر گذاشتن، در حرکت است؛ در این جوامع، انسان با عبور از مرحله‌ی بقا به پاسداشت ارزش‌های ابراز وجود می‌پردازد که این عاملی در جهت رهایی از هر قدرت و جزم‌اندیشی می‌شود» (Inglehart, R. & Wlzel, 2005: 29). اینگلهارت و ولزل، حرکت از سطوح پایین نیازها به سطوح بالاتر را در هرم مازلو، دگرگونی از اولویت‌های مادی‌گرایانه به اولویت‌های فرامادی‌گرایانه تعبیر می‌کنند و معتقدند که دگرگونی از اولویت‌های امنیت اقتصادی و فیزیکی به سوی اولویت برای ابراز وجود و کیفیت زندگی است (Inglehart, R & Wlzel, 2005: 33). اما وجود این تغییرات فرهنگی و اثر آن را می‌بایستی در خرده فرهنگ‌هایی جستجو نمود، که در بین شهروندان کرمانشاهی به صورت یک کل منسجم عمل می‌کند.

در نظریه‌ی خرده فرهنگ دهقانی اندیشمندان این حوزه راجرز، فاستر، لرنر، وایزر، لوئیس، نی هف و ... با وجود تفاوت‌های بسیار بین دهقانان از فرهنگ‌های مختلف، مجموع صفاتی از قبیل: تقدیرگرایی، پائین بودن سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها، عدم احساس کارآمدی شخصی، انگیزه‌ی اقتصادی پائین، فقدان همدلی، تصور خیر محدود، بی‌اعتمادی در روابط شخصی (Foster, 1965: 293-297)، فقدان نوآوری (Rogers 1969, Lewis) و ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی بخاطر منافع آتی (Rogers, 1960, Foster 1965: 273). را تحت عنوان خرده فرهنگ دهقانی ذکر نموده‌اند.

بررسی نظریات مختلف اندیشمندان داخلی و خارجی ذکر شده، برای تحلیل رفتار اقتصادی کنشگران کرمانشاهی به نوعی همپوشانی بین برخی از آنها را به نمایش

می‌گذارد، در حالی که مهدی بازرگان در سازگاری ایرانی با تحلیل رفتار اقتصادی مردمان بخش‌های مختلف کشور، بر بردباری، شلختگی، بی‌برنامه بودن و تأکید بر مسأله‌ی امنیت که ناشی از زندگی زراعتی است تأکید دارد، نظریات خرده فرهنگ دهقانی نیز به نوعی همین موارد را مورد تأکید قرار می‌دهند، بنا بر نظر فاستر، راجرز و ... دهقانان، عموماً تقدیرگرا بوده و توقعات اقتصادی اندکی دارند، بی‌اعتمادی در روابط شخصی و نیز عدم احساس کارآمدی از ویژگی‌های دیگر دهقانان ذکر شده است. شیوه‌ی معیشتی مردمان استان کرمانشاه که تا قبل از وقوع انقلاب بیش از ۷۰ درصد آنها در روستاها زندگی می‌کردند و نیز همین روستاییان نیز عموماً یکجانشین نبوده و با بیلاق و قشلاق گذران زندگی می‌کردند، به نوعی زندگی گله‌داری و متحرک را داشته‌اند، در این نوع از زندگی، امکان توسعه‌ی پس‌انداز به دلیل محدودیت مراتع و تبدیل دام به انواع دیگر دارایی تا حدود زیادی وجود نداشته و لذا امکان توانگری محدود شده است، از طرف دیگر، فقدان سیستم‌های آبیاری نوین و کشاورزی دیم، زمان‌بندی اقتصادی را فاقد مفهوم کرده و دانش ناشی از نیاز به مهارت شکل نگرفته است، تداخل منافع ناشی از محدودیت مراتع در کنار تأکید بسیار جدی بر حفظ تفاوت‌های قومی و مذهبی، مورد اشاره‌ی ابراهامیان، باعث شده تا مرزبندی‌های پر رنگی که امکان تعامل و تبادل اقتصادی را به حداقل برساند، شکل بگیرد به نوعی که همین الان نیز امکان خرید زمین از یک روستای خاص برای خارج افراد از طایفه آن روستا مقدور نباشد و ...

در حالی که مسأله‌ی امنیت مورد اشاره‌ی جدی بازرگان و اندیشمندان خرده فرهنگ دهقانی قرار گرفته است، این مهم در کرمانشاه باعث شده تا ابزارهای قدرت نظامی خانواده و ایل، در این منطقه از کشور، ارزش فوق‌العاده‌ای پیدا کنند، اهمیت داشتن تفنگ، فرزند پسر و ... از مواردی است که در ادبیات فولکلور منطقه نمود اساسی دارد که خود عاملی برای افزایش مولید، ورود به درگیری‌های بین طایفه‌ای و ... شده که تماماً با افزایش بعد خانوار و نیز هزینه‌های کنترل رقبای، امکان انباشت سرمایه در قالب پس‌انداز را، حداقلی کرده است.

در اینجا علاوه بر تأکید بر انطباق نظریه‌ی خرده فرهنگ دهقانی با بخش عمده‌ای از رفتار اقتصادی مردم کرمانشاه با وبر هم‌عقیده هستیم که کنش‌های ارزشی، عاطفی منفعل و سنتی موجب پیشرفت نمی‌شوند، کنش‌های ارزشی که گاهاً توسط حکومت‌ها تشدید و خود عامل افتراق در جامعه‌ی چند مذهبی کرمانشاه است و از طرف دیگر بهم پیوستگی شدید عاطفی درون‌گروهی باعث شده تا مردم بخش قابل توجهی از زمان و هزینه‌ی خود

را به بحث مسایل جمعی نظیر عزاداری، شادی و رقابت‌های بین گروهی و خانوادگی اختصاص دهند؛ که در این پژوهش سعی بر آن داریم که به بررسی هر یک از ویژگی‌های ذکر شده بالا در بین شهروندان کرمانشاهی با مطالعه‌ی کنش اقتصادی آنها بپردازیم.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد، و تکنیک جمع‌آوری داده نیز مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت یافته می‌باشد. در این راستا ابتدا تعدادی سؤال کلی طراحی گردید و در حین مصاحبه متناسب با متن مصاحبه سؤالاتی بدان اضافه می‌شود. از آنجا که مفاهیم در پژوهش کیفی نقش محوری دارند و معمولاً یکی از اهداف چنین پژوهش‌هایی، تحلیل نظری موضوع است، لذا نمونه‌گیری در پژوهش کیفی مفهومی یا نظری است (Strauss & Corbin, 1990)، و معمولاً تا آنجا پیش می‌رود که محقق احساس کند به اشباع نظری رسیده است. یعنی گردآوری داده‌ها تا موقعی ادامه می‌یابد که افزایش اطلاعات، نتواند مفاهیم، مقوله‌ها، خرده مقوله‌ها و تنوع‌های جدید به دست دهد. تا جایی که محقق و خوانندگان پژوهش وی اطمینان یابند که چیزی از قلم نیفتاده است (Ibid). بدین منظور سؤالات طراحی شده برای مصاحبه بین ۳۵ نفر افراد که به صورت هدفمند و از طریق روش گلوله برفی انتخاب شدند اجرا گردید. گفتنی است که در این پژوهش تعداد افرادی که جهت مصاحبه انتخاب شده‌اند بر اساس اصل کفایت داده‌ها بدست آمده است. به این ترتیب ابتدا با تعداد ۲۵ نفر از افراد مورد نظر مصاحبه صورت گرفت و مصاحبه‌ها جنبه‌ی تکراری پیدا نمود. پس از ارایه‌ی نتایج به متخصصان و صاحب‌نظران مربوطه و مشورت با آنها برای تأیید روایی پژوهش، تصمیم گرفته شد تا با افراد دیگری از جامعه‌ی تحقیق مصاحبه‌ها ادامه یابد و بدین ترتیب با ۱۰ فرد دیگر مصاحبه صورت گرفت و در نتیجه پس از مصاحبه با ۳۵ نفر اشباع نظری حاصل گردید و پس از تأیید روایی آن توسط خبرگان موضوع، محقق به این جمع‌بندی رسید که دیگر نیازی به مصاحبه‌ی بیشتر نیست. در تحلیل مصاحبه‌ها نیز از دو نوع کدگذاری باز و محوری استفاده نموده‌ایم. لازم به ذکر است که جامعه‌ی آماری تحقیق نیز کلیه‌ی شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال استان کرمانشاه می‌باشد، که در سال ۱۳۹۸ در این استان مشغول به فعالیت و دارای درآمد هستند. برخی از مشخصات افراد مصاحبه‌شونده در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

خصوصیات افراد مورد مصاحبه				
Characteristics of the Interviewees				
انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	
Std. Deviation	Average	Maximum	Minimum	
12/28	44/14	70	25	سن
فراوانی و درصد				
مرد ۲۹ نفر (۸۲/۹ درصد)، زن ۶ نفر (۱۷/۱ درصد)				جنسیت
مشاغل ی‌دی ۱ نفر (۲/۹ درصد)، مشاغل خدماتی ۶ نفر (۱۷/۱ درصد)، مشاغل واسطه‌ای ۵ نفر (۱۴/۳ درصد)، مشاغل خلاف قانون ۲ نفر (۵/۷ درصد). مشاغل تخصصی بدون مدرک دانشگاهی ۱۱ نفر (۳۱/۴ درصد) و مشاغل تخصصی با مدرک دانشگاهی ۱۰ نفر (۲۸/۶ درصد)				شغل

در پژوهش حاضر علاوه بر روایی ابزار، از روش کثرت‌گرایی (آزمودن مجدد روش انجام کار) برای تأیید اعتبار پژوهش استفاده شده است (Johnson, 1997). برای این منظور از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آنها در یک فاصله‌ی زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص‌شده در دو فاصله‌ی زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله‌ی زمانی با هم مشابه هستند با کدهای غیر مشابه مشخص می‌شوند. در تحقیق کنونی برای محاسبه‌ی پایایی روش انجام کار، از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته، تعداد ۵ مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله‌ی زمانی ۱۰ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شده‌اند، که موارد مشابه در تمامی مصاحبه مورد بررسی بیش از ۰/۸۰ درصد بوده است که حاکی از پایایی بالای کدگذاری است.

یافته‌های پژوهش

بر اساس کدگذاری باز حاصل از متن مصاحبه‌های تحقیق کدها دسته‌بندی و کدهای محوری مشخص گردید و سپس از طریق کدگذاری انتخابی، مدل زمینه‌ای بر اساس منطق اشتراوس و کوربین ترسیم شده است، که نشان‌دهنده‌ی تئوری زمینه‌ای در فهم فرهنگی از کنش اقتصادی شهروندان استان کرمانشاه است.

شرایط علی

کنش اقتصادی در جوامع و فرهنگ‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. مروری اجمالی بر روند کنش اقتصادی در غرب و شرق گویای این است که گسترش سرمایه‌داری به شیوهی تولید کاپیتالیستی، همراه با حاکم شدن نوعی اخلاق اقتصادی مبتنی بر عقلانیت مدنظر ماکس وبر متفاوت از شیوهی تولید در شرق می‌باشد، که در متون مختلف تحت عنوان شیوهی تولید آسیایی از آن یاد می‌شود. «در این راستا پژوهشگران نمونه‌ای از تفکر عقلایی را شناسایی کرده‌اند، که یکی از اصلی‌ترین عوامل پیشرفت در غرب ارزیابی می‌شود که امکان طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و ارزیابی علمی را فراهم می‌آورد، در حالی که تفکر سنتی در شرق از یک طرف، بیشتر احساسی و عاطفی و از طرف دیگر مبتنی بر سنت و آداب و رسوم است که مورد توجه و مطالعه‌ی نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. در کشور ما نیز نمونه‌هایی از این الگوها را می‌توان شناسایی و تجزیه و تحلیل نمود. لذا تغییر رفتار اقتصادی در سایه‌ی تغییر در نگرش‌ها، هنجارها، تفکرات قالبی، باورها، کنش‌ها و الگوهای مألوف انسانی و اجتماعی میسر خواهد شد» (Taleb, 1994: 93-94). در این راستا و در بُعد فرهنگی مجموعه عوامل دین و مذهب، آداب و رسوم و ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان شرایطی علی در کنش اقتصادی افراد شناسایی گردید.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها ورود احساسات و رفتارهای شخصی و دوستانه را که وبر از آن به‌عنوان کنش عاطفی یاد می‌کند را این‌گونه بیان می‌کند:

"شراکت باید شسته رفته باشه ولی اینجا توی کرمانشاه ارتباطات خیلی شفاف نیست بیشتر مرامی هست. من می‌خواستم با شراکت یه بنده خدایی که باهانش صحبت کرده بودم سوپرمارکتم رو جمع کنم یه خواربار فروشی بزرگ با سرمایه مشترک بزینم، گفتم بیا قرارداد ببندیم که سود چطور تقسیم بشه برای هر کسی که یک روز توی مغازه می‌مونه یه دستمزد تعیین کنیم مابقی سود رو تقسیم بر دو کنیم می‌گفت نه مگه یه روز من بیشتر توی مغازه وایسم یا تو یه روز بیشتر دنیا به آخر میرسه؟! بیشتر مرامی کار مشارکتی می‌کنن و این مسأله‌ساز میشه؛ آدم ترجیح میده تنها کار کنه". (مصاحبه‌شونده شماره‌ی یازده؛ ۴۲ ساله، سوپر مارکت).

مصاحبه‌شونده‌ی دیگر این‌گونه می‌گوید: "... بعد من به دوستم گفتم قرارداد مستند بنویسیم میگه یعنی تو به من اعتماد نداری می‌گم بابا هرچی جای خودش رو داره میدونی حساب کتابی توی شراکت‌ها توی کرمانشاه نیست چون همش بر پایه رفاقت و بعدش

دست آخر دعواشون هم میشه این بده". (مصاحبه‌شونده شماره‌ی هشت؛ ۳۷ ساله، کافی نت).

با توجه به مصاحبه‌ی فوق به نظر می‌رسد، در هم تنیدگی روابط عاطفی، فرهنگ شفاهی و انتظارات بیش از حد از یکدیگر در کنار ارتباطات سنتی، کانالیزه نشده و رفاقت مآبانه همراه با تعارف، خود سدی بزرگ بر سر راه کارهای مشارکتی در استان کرمانشاه است. بنابراین قاعده‌ی کار مشارکتی دچار سوء برداشتهایی است که در مصاحبه‌ی زیر این‌گونه تعبیر شده است: "اگر این ادبیات اقتصادی بین افراد حاکم شود شاید شراکت در کرمانشاه هم خوب شود اما اگر من به کسی بگویم بیا به محضر برویم و شراکتیمان را قانونی کنیم از همان ابتدا به او برمی‌خورد و ورود پیدا نمی‌کند".

"این فرهنگ ماست و این‌طور تعبیر می‌شود که به من اعتماد نداری". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و پنج؛ ۳۹ ساله، خبرنگار).

این‌گونه به نظر می‌رسد که نوعی گریز از حسابگری دقیق و انتظار گذشت در کارهای مشترک، در فعالیت‌های مشارکتی در بین شهروندان کرمانشاهی وجود دارد که در تجربه‌های عملی همکاری منتج به عدم ادامه‌ی مشارکت و یا تفرقه در بین شرکاء می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی با شکل نگرفتن کنش عقلایی و بر پایه‌ی محاسبات احساسی، به مشکل بر می‌خورد و سویه بی‌اعتمادی بر رفتارهای مشارکتی که شکل رسمی بر خود می‌گیرد، سایه می‌افکند.

ادبیات شفاهی و گاه مکتوب مردمان ساکن استان کرمانشاه حاوی ضرب‌المثل‌هایی است که ته نشست‌های ذهنی آنان را در عمل نشان می‌دهد، یکی از مصاحبه‌شونده‌ها با اشاره به ضرب‌المثل‌های ساخته شده در خصوص کار، تنبلی را بیشتر یک مسأله‌ای می‌داند که ریشه در فرهنگ دارد. این مصاحبه‌شونده می‌گوید:

"از طرفی نوعی تنبلی یا از زیر کار در رفتن به مرور توجیهاتی را در قالب ضرب‌المثل‌ها به فرهنگ عامیانه‌ی مردم تجویز می‌کنه که دست بر قضا فیدبک مهمی توی رفتار افراد دارد و عادت به کار نکردن یا تنبلی رو در بین افراد درونی می‌کنه و کم کم به یک ویژگی رفتاری در میاد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هفده؛ ۴۰ ساله، استاد دانشگاه).

البته استفاده از ضرب‌المثل‌ها به نوع نگاه افراد بستگی دارد و بر با توجه به شیوه‌ی زندگی و فعالیت‌های اقتصادی‌ای که دارند، ضرب‌المثلی را که توجیه‌کننده‌ی رفتارشان باشد به کار می‌گیرند. در این راستا دیدگاه برخی از مصاحبه‌شونده‌ها به نوعی انفعال در زندگی را به همراه دارد. برای مثال یکی از مصاحبه‌شونده‌ها درباره‌ی این ضرب‌المثل که

«امروز بگذرد تا فردا خدا بزرگ است» می‌گوید: "من هم کاملاً با این جمله موافقم، ما قدیمیا کلاً این نظر را داریم همان‌گونه که ۶ ماه اول سال راه کار می‌کردیم و ۶ ماه دوم سال را استراحت". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره دو؛ ۷۰ ساله، کارگر بازنشسته).

مذهب به دو صورت در رفتارهای شهروندان کرمانشاهی تأثیر می‌گذارد. در برداشت اول تلقی آنها از مذهب، ابزار سودجویی و فرصت‌طلبی است و از این مجرا سعی در دسترسی به هدف مورد نظر در کنش‌های اقتصادی خود دارند. در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید: "خیلیا به ریش می‌ذارن و با ظاهری دینی سعی می‌کنند در بازار نفوذ کنند و سر مردم رو کلاه می‌ذارن، از یه طرف نذری میدن و قربونی می‌کنند از طرف دیگر به راحتی توی معاملات قسم دروغ می‌خورن جنس بدل رو به‌عنوان اصلی می‌فروشن، پشت پرده هم هر کاری دلشون بخواد می‌کنند به قول حافظ چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی سی و چهار؛ ۳۹ ساله، آزاد).

در برداشت دوم مراسمات مذهبی بیشتر صبغه چشم به هم‌چشمی و مصرف‌نمایشی دارد و از این مجرا بر کنش‌های اقتصادی افراد تأثیر می‌گذارد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید: "دیدم کسایی که واقعاً سنگ مذهب رو به سینه می‌زنن، توی محرم که میشه میان گاو قربانی می‌کنن که بگن در خونه فلانی گاو قربانی کردن یکی دیگه هم میاد برای اینکه کم نیاره اونم گاو قربانی می‌کنه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و سه؛ ۴۱ ساله، دلال دلار).

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اظهار می‌کند که چشم و هم‌چشمی که در رسم و رسومات هست سبب اثرات منفی در زندگی شده است. ایشان می‌گوید: "خیلی از رسم و رسومات مانند چشم و هم‌چشمی‌هایی که در مراسمات حج سوگواری شادی و خیلی از این مراسمات ضد فرهنگ صرفه‌جویی می‌باشد". این مصاحبه‌شونده در جایی دیگر می‌گوید که: "بعضی از افراد هستند که در جمع (مراسمات شادی و عزا) قرار می‌گیرند مجبور به پرداخت مبلغی می‌شود که از توان آنها خارج است که این بحث خارج از نظر صریح بنده می‌باشد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی یک؛ ۶۰ ساله، مدیر کل بازنشسته).

با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته می‌توان گفت که برخلاف نظر وبر در اخلاق پروتستانی که دین به‌عنوان یک موتور محرکه درونی با کارکرد مستقیم و یا غیر مستقیم باعث ایجاد تلاش در فرد برای بهبود وضعیت اقتصادی می‌شود، در اینجا این شکل ظاهری و نمادهای دینی است که کارکرد مصرف‌نمایشی و یا سوء استفاده‌ای دارد لذا بسته به

اینکه افراد چه نگاهی به دین و مذهب داشته باشند، مذهب می‌تواند منجر به رشد اقتصادی افراد یا افول در بین آنان گردد.

شرایط زمینه‌ای

در گام‌های بعدی، شرایط زمینه‌ای، که به‌عنوان مقوله‌ای اثرگذار بر کنش اقتصادی شهروندان شناسایی شده‌اند، بررسی می‌شود. در شرایط زمینه‌ای مفاهیمی مطرح است که اساساً به شرایط و میدانی که کنش اقتصادی در آن انجام می‌پذیرد، مربوط می‌شود. در این راستا عدم بستر مناسب اجتماعی، شرایط زیست‌محیطی و زمان، به‌عنوان شرایط زمینه‌ای شناسایی گردید.

بستر اجتماعی، یکی از فاکتورهای مهم در کنش اقتصادی است. بستر اجتماعی گونه‌ای از رفتار را در افراد درونی می‌کند و ارزش‌های گوناگونی را درونی می‌کند که بر فعالیت‌های اقتصادی سایه می‌افکند. چرایی اینکه فعالیت‌های اقتصادی افراد، در این استان چگونه تحت تأثیر فضای اجتماعی که آنان را محصور نموده قرار می‌گیرد در مصاحبه‌ی زیر این‌گونه گزارش شده است:

«من فکر می‌کنم دلیلش این بوده که اینجا مثلاً پدرانشان با گله و اینا زندگی گذرانی داشتن، محل عتبات و عالیات هم بوده، مردم همیشه مهمان داشتن، اینجور بار آمدن به وضع موجود همه راضی هم هستن، ولی اگه جایی بودن که زندگی برایشون سخت‌تر بود راه پیشرفت برایشون بیشتر بود، یا ترک می‌کردن یا خوب تصمیم می‌گرفتند» (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هفت؛ ۵۸ ساله، پرورش‌دهنده‌ی گل محمدی).

آن‌گونه که از این مصاحبه بر می‌آید، به نظر می‌رسد مصاحبه‌شونده فعالیت‌های اقتصادی را در این استان در سایه‌ی مسیر کربلا بودن و نیز نوع معیشت مبتنی بر گله‌داری، آنها را به کار ساده و داشته و در عین حال با پذیرایی از مهمانانی که ناگزیر از عبور از منطقه‌ی آنها شده‌اند به نوعی این سبک زندگی را انتخاب کرده‌اند، سبکی که چندان سخت نیست و نیز به انباشت سرمایه منجر نمی‌شود، اما مرور اجمالی دیگر استان‌ها که از شرایط آب و هوایی مناسبی برخوردارند و رجوع به عقل سلیم به ما می‌گوید شرایط زیست‌محیطی مساعد می‌تواند بستری مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد اقتصادی فراهم نماید، اما در کرمانشاه این اتفاق نیافتاده است بنابراین به نظر می‌رسد که در اینجا اهمیت جنبه‌های فرهنگی بیشتر نمایان می‌شود.

از دیگر شرایط زمینه‌ای که می‌توان در استان کرمانشاه، در فعالیت‌های اقتصادی دخیل دانست، تعریف مفهوم پول در زمان‌های مختلف است. مفهوم پول در استان کرمانشاه در دوران‌های گذشته مفهومی همگانی‌تر داشته و افراد کمتر احساس نیاز در جمع‌آوری پول می‌کردند و حتی سرمایه‌دار در بین آنها جایگاه مطلوبی نداشت که البته این نگاه عموماً ناشی از نزدیک بودن سطح زندگی و امکانات مردم به هم بود، اما در زمان کنونی این احساس نیاز در جمع‌آوری پول در بین شهروندان کرمانشاهی دیده می‌شود و به نوعی باعث رقابت‌های درون‌گروهی برای کسب ثروت و مال‌اندوزی شده است، در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها این‌گونه اظهار می‌کند:

"نقش پول، با توجه به شرایط اقتصادی موجود، نقش اساسی و مهمی در زندگی عموم جامعه‌ی مردم دارد. پول نقش‌هایی که قبلاً برایش تعریف شده، گسترده‌تر شده و الان تمام امکانات به وسیله‌ی پول برای اکثر مردم نسبت به گذشته قابل فراهم شدن است." (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).
مصاحبه‌شونده‌ای دیگر معتقد است که در گذشته مردم اهمیت کمتری به پول می‌دادند اما امروزه پول اهمیت زیادی پیدا کرده است.

"پول؟ ما بهش بها می‌دیم وگرنه ارزشی نداره، ۳۰ سال پیش کی اینجوری بود، همه‌ی همسایه‌ها انگار یه خونه بودن، میامدن می‌رفتن خونه هم، هر چی داشتن به هم کمک می‌کردن ولی الان برادر به برادر رحم نمی‌کنه. اینا همه از بدبختی حرص برای پوله." (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و دو؛ ۶۳ ساله، بنا ساختمانی).

شرایط مداخله‌گر

در شرایط مداخله‌گر، مفاهیمی مطرح است که در دو دسته‌ی عوامل درونی و بیرونی قرار می‌گیرند و به شدت فعالیت اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در دسته‌ی عوامل درونی از شرایط مداخله‌گر، مفاهیمی از قبیل پول همراه با هیجان، پول حلال و حرام و پول آسان جای می‌گیرد. در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید: "پول یعنی عزیزالله، پول خدای دومه، البته پولی که به قیمت نصفه جون شدنش نباشه، نه اینکه تا بوق سگ کار کنی برای دو هزار تومان پول، نه، من پول رو گنده تعریف می‌کنم، اینکه به اندازه بخور نمیری باشه به نظرم اصلاً اسمش پول نیست، یه وسیله‌ای هست که باهاش زندگی‌تو می‌گذرونی نمیری. بعدش هم من عاشق پولی هستم که با هیجان بدست بیاد، اولش توی کار گج کاری بودم درآمدش خوب بود ولی بدم میومد، چون همش تکراری بود

روزا و سخت هم بود کارش، الان زدم توی کار مواد مخدر وقتی پول هم در میارم تازه پول گنده کیف هم می‌کنم احساس می‌کنم که زرنگم از بقیه سرم. اطرافیانم مثل سگ زندگی می‌کنن نگران اجاره خونسونن من چند تا خونه مجردی دارم مبله، حس خوبی بهم میده". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی نوزده؛ ۲۸ ساله، فروشنده‌ی مواد مخدر).

مقوله‌ی دیگری که از مصاحبه‌ها می‌توان بیرون کشید، پول حلال در مقابل پول حرام است. این موضوع در صحبت‌های یکی از مصاحبه‌شوندگان به این صورت انعکاس داده می‌شود: "پول چیزی است که برای راحتی زندگی و باید همیشه تلاش مثبت نسبت به درآمد کسب حلال داشته باشیم، ولی تمام خوشبختی‌های زندگی بستگی به پول ندارد. آدم‌هایی هستند که زیاد پول‌های کثیفی به هر طریقی که شده وارد خانواده کردن و حتی خانواده‌هایی در سطح شهر هرسین چه برسه به استان کرمانشاه دیدم که پول نداشتند ابهتشان خوب بوده ولی بعد از پول‌دار شدن به راه بد کشیده شدند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ده؛ ۵۰ ساله، گچ‌کار).

در مصاحبه‌ی فوق نوعی نگاه منفی به پول وجود دارد. به نظر می‌رسد مصاحبه‌شونده ثروتمند شدن را تنها از طریق کارهای غیر قانونی امکانپذیر می‌داند، بخاطر همین نوعی بدبینی به پول و پول‌دار شدن را در حرف‌هایش منعکس می‌کند. در دسته عوامل بیرونی، مفاهیمی از قبیل متغیر بودن درآمد، نوسانات قیمتی بازار، کم‌کسانی به دیگران، نگاه مردم و نگاه‌های جنسیتی قرار می‌گیرد.

یکی از موانع پس‌انداز از نگاه شهروندان کرمانشاهی که در مصاحبه‌ها انعکاس داده شده عدم دارا بودن درآمد ثابت به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم و مورد نیاز روز است که موجب نوسان در زمان اشتغال آنها شده و همین امر خود عاملی است تا نتوانند پس‌انداز کافی برای سرمایه‌گذاری داشته باشند است. در واقع این عدم ثبات علاوه بر ایجاد مانع بر سر راه پس‌انداز مانعی بر سر راه وام گرفتن نیز می‌باشد، چرا که ترس از عدم بازپرداخت وام توسط افراد سبب دوری از گرفتن وام می‌شود. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها که کارش به صورت فصلی می‌باشد، می‌گوید: "کار ما کاری نیست که دائم باشه فصلی هست، کار فصلی هم بده چون مادام‌العمری نیست مثلاً می‌بینی سه ما کار می‌کنی چهار ماه بیکاری، ما اگه بتوانیم مثلاً اون سه ماهی که کار می‌کنیم به فکر چهار ماه بیکاری هم باشیم باید برنامه‌ریزی داشته باشیم که اگه چهار ماه دیگه هم بیکار شدیم بتونیم از درآمد سه ماه پس‌انداز کنیم که برای اون چهار ماه تأمین بشه". در کل این مصاحبه‌شونده می‌گوید که:

"پس‌انداز یه روزی هست یه روزی نیست". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ده؛ ۵۰ ساله، گچ‌کار).

"وضعیت درآمد ما مشخص نیست چون شغلم آزاده می‌بینی یک ماه می‌تونم یک ماه نمی‌تونم پس‌انداز کنم، یک ماه قرض بالا میارم، می‌بینی پس‌اندازم جای قرض دادم. یا باید درآمد ثابت باشه یا اینکه شغل آزاد با درآمد بالا که بتونی پس‌انداز کنی، ولی با این اوصاف سعی می‌کنم پس‌انداز کنم هر وقت پولی دستم اومد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و دو؛ ۶۳ ساله، بنا ساختمانی).

یکی از موانع دیگر بر سر راه پس‌انداز شهروندان کرمانشاهی نوسانات قیمتی بازار می‌باشد.

"این اتفاق می‌افته برای ما که کارمون واسطه‌گری هست، بعضی موقع‌ها بخاطر نوسان قیمتی که توی بازار هست یه ماه پس‌انداز می‌کنیم یه ماه نمی‌شه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و سه؛ ۴۱ ساله، دلال دلار).

یکی دیگر از موانعی که سبب می‌گردد افراد پس‌انداز کمتری داشته باشند، احساس مسئولیت بالا در خصوص ممنوع است به نوعی که تا دهه‌ی اخیر، عمده شهرهای استان، علی‌رغم در مسیر زیارتی بودن، فاقد مسافرخانه یا مراکز اقامتی بوده‌اند، دلیل این امر مهمان‌نواز بودن و احترام به افراد مهمان و به نوعی افراد نیازمند است که خود عاملی برای صرف هزینه‌های بالا بوده است و از طرف دیگر توجه به افراد محتاج کمک و اتفاقات غیر مترقبه از قبیل سیل و زلزله و کم‌کسانی به این اقشار است که به‌عنوان یک هنجار قوی عمل می‌کند و فرد را وادار به انجام آن می‌کند که برخی از مصاحبه‌شونده‌ها به آن اشاره کرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها هدف از پس‌انداز را کمک به دیگران می‌داند، و این‌گونه بیان می‌کند: شرایط کاری ما طوری است که اگر داشته باشیم هم نمی‌تونیم به اون شکل پس‌انداز کنیم. چون به صورت اینکه خیلیا هستند که امیدی دارند یعنی نیازمند هستند و از این مسیر هم هزینه می‌کنیم ما. مگر بحث زلزله کم هزینه بود، الان سیل و اینها، مردم هم توقع‌هایی دارند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هفت؛ ۵۸ ساله، پرورش دهنده‌ی گل محمدی).

"یه چیزی هم بگم انقد دور ور آدم کسایی هستند که نیازمندن، بعد یا فامیل هستند و یا دوست، همیشه ندیده گرفت یعنی تا یه کم پس‌انداز می‌کنی، مجبوری به اینا کمک بکنی همیشه چشاتو ببندی". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی سی و دو؛ ۵۷ ساله، فرش فروش).

دو مصاحبه‌ی فوق بر روی یک مؤلفه‌ی فرهنگی یعنی کمک‌رسانی به دیگران به‌عنوان یک ارزش اخلاقی در فرهنگ مردمان استان کرمانشاه انگشت می‌گذارند، که به‌عنوان عاملی درونی رفتار پس‌اندازی آنان را تحت شعاع قرار می‌دهند.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در خصوص نگاه‌های جنسیتی به‌عنوان مانعی بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی از تجربه‌ی خود می‌گوید: "توی روستا هم می‌دونی خانم‌ها چقدر محدودن، حتی نمی‌تونند توی روستا با پسر عموشون یا پسر داییشون احوالپرسی کنند، دیدگاه روستا آنقد بده که حتماً یه حرفی در میان، ولی من یه کاری کردم که کلاً با آقایون ارتباط داشتیم، بعد روستا که اینو دیدن، خیلی‌ها با من لچ کردن، خیلی تلاش کردم خیلی سختی کشیدم، هیچ کس حاضر نمی‌شد بهمون آب بده برای زمین‌هایی که کشت کرده بودم، دیگه داشت بذر خشک میشد، خیلی این ور اونور رفتیم تا خدا رو شکر یه چاهی بود حاضر شد بهمون آب بده، اونم حدود ۴۰۰ متری از زمین ما دور بود، رفتیم اونور روستامون ۴۰۰ متر لوله آوردیم به یه وسیله‌ای وصل کردیم به تراکتور آوردیم." (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی چهارده؛ ۲۹ ساله، کارآفرین کشت زعفران).

هر چند گستردگی نظام آموزشی و کسب مدرک توسط بانوان طی ۲ دهه‌ی اخیر پای آنها را به اشتغال در حوزه‌های اداری و دولتی باز کرده است و در گذشته نیز در کنار خانواده (روستایی) فعالیت اقتصادی داشته‌اند، اما اینکه خانمی، کار مستقل تولیدی داشته باشد، تقریباً امری نزدیک به محال می‌نماید و همان‌طور که در مصاحبه‌ی فوق نیز اشاره شده، در استان کرمانشاه زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت با مشکل متقاعد کردن جامعه در خصوص کار در بیرون از منزل مواجه‌اند، گویی در این فرهنگ کار برای زنان بیشتر در خانه تعریف شده است. این نگاه نه تنها در روستا بلکه در شهرستان‌های استان و تا حدودی در مرکز استان مسأله می‌باشد.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید: "در کل دیدگاه این منطقه این است که اگه به یه منبع پول دسترسی پیدا کنی و دیگه کار نکنی بهتر است، و این مقبولیت بیشتری داره، اما وقتی کار می‌کنی همه میگن بسه دیگه چقدر می‌خوای کار کنی؟". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شانزده؛ ۵۰ ساله، پزشک).

در مقابل یکی از مصاحبه‌شونده‌ها کار را به طرز انسان مرتبط می‌سازد و معتقد است که نگاه مردم برای کسی که اهل کار باشد و هدفش کار کردن باشد تأثیری ندارد. ایشان می‌گوید: "اگر کسی که فکر کار باشه فکر تلاش باشه این حرفا براش اثری نداره، دنبال این

هست که به یه نتیجه‌ی بهتری برسه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و شش؛ ۶۰ ساله، تولید کننده).

از متن مصاحبه‌ها اینچنین بر می‌آید که نگاه مردم به صورت دیگری نیز مانعی بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی است، کار کردن آدم متمول نه امری پسندیده که مذموم تلقی می‌شود و عموماً از یک سطحی درآمدی بالاتر، فشار هنجاری عموماً، بهترین فعالان اقتصادی را وادار به استراحت یا انجام کارهای دم دستی می‌کند. البته در میان نسل جوان این نگرش به آرامی در حال تغییر است و در کل به نظر می‌رسد که نگاه مردم زمانی اثرگذار است که افراد می‌خواهند به گونه‌های مختلف، از قبیل مصرف‌نمایشی، سعی در برتری خود نسبت به دیگران یا هم پایه دانستن خود با دیگران (حتی در صورت عدم توان مالی کافی) بنمایند.

پدیده‌محوری

قضیه‌ی چهارم در مدل طراحی شده مربوط به مقوله‌ی پدیده‌محوری می‌باشد. مفاهیم مربوط به پدیده‌محوری در کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در پنج دسته قرار می‌گیرند. برخی پدیده‌های شناسایی شده به ماهیت پول مربوط می‌شود. در این راستا پول به نسبت اینکه در چه زمان و مکانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اثرات گوناگونی را از خود به جای می‌گذارد. داده‌های حاصل از مصاحبه حاکی از آن است که پول در گذشته مفهومی همگانی‌تر داشته، بدین معنا که در گذشته افراد کمتر در رقابت با یکدیگر برای کسب پول قرار می‌گرفتند و روابط و رفتارهای اجتماعی افراد کمتر صبغی مادی داشته اما در زمان کنونی افراد در رقابت با یکدیگر سعی در جمع‌آوری پول می‌کنند و تمام زندگی شخص و اجتماعی آنان نیز تحت‌الشعاع این مسأله قرار گرفته است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه اظهار می‌کند: پول امروز جای همه چیز را گرفته. شرایط زندگی خیلی سخت شده و ۸-۷ سالی است که پول اولویت اصلی در زندگی پیدا کرده". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست؛ ۴۵ ساله، دامدار).

"پول با توجه به شرایط اقتصادی موجود، نقش اساسی و مهمی در زندگی عموم جامعه‌ی مردم دارد. پول نقش‌هایی که قبلاً برایش تعریف شده گسترده‌تر شده و الان تمام امکانات به وسیله‌ی پول برای اکثر مردم نسبت به گذشته قابل فراهم شدن است". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).

مفهوم دیگری که در راستای ماهیت زمانی پول، از دل مصاحبه‌ها استخراج گردید، "مطلوبیت در زمانی" می‌باشد. بررسی متن مصاحبه‌ها حاکی از آن است که برای تهیه‌ی یک کالای مورد نیاز در گذشته خرید آن کالا به تعویق انداخته می‌شد تا فرد توان خرید آن را پیدا کند، اما در زمان حال معمولاً با خرید اقساطی و یا استفاده از وام در خرید کالای مورد نیاز اقدام می‌کنند، که این مسأله، بحث پول را با زمان گره می‌زند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید:

"پس‌انداز می‌کنم تا هر زمانی که چیزی لازم داشتیم، به وقتش بخرم. مثلاً الان بهار به مانند بهاره می‌بینم پول داشته باشم بخرم، بهار تموم بشه پول دستم بیاد دیگه به درد نمی‌خوره، فصلش گذشته. همین‌جور برای هر کالا یا کار دیگه‌ای، پس‌انداز باعث می‌شه داشته باشی به وقتش اقدام می‌کنی. (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی سی و سه؛ ۳۰ ساله، کارمند).

"بین بعضی مواقع به چیزی می‌خواهی همون لحظه می‌خواهی اتفاق بیوفته به زمان دیگه، دیگه به درد نمی‌خوره یا دیگه اون ارزش رو برات نداره، بنابراین آدم میاد پس‌انداز می‌کنه تا وقتی که چیزی لازم شد بتونی بگیریش". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هفده؛ ۴۰ ساله، استاد دانشگاه).

دسته‌ی دوم پدیده‌های محوری مربوط به عوامل درونی رفتارهای اقتصادی می‌باشد. بخش قابل توجهی از شهروندان کرمانشاهی در کنش‌های اقتصادی خود به دنبال ایجاد ارزش افزوده و خلق ثروت با کار مولد هستند و عموماً ترجیح می‌دهند، به گونه‌ای که در رفتارهای اقتصادی خود، کمترین خلاقیت در تولید را دارند و بیشترین سرمایه‌گذاری آنها در بانک‌ها یا خرید طلا، ارز و یا خرید زمین به امید گران‌تر شدن آن و همچنین ورود به کارهای واسطه‌ای می‌باشد.

"اگر وضعیت اقتصادی باثبات باشد؛ پول بهتر است در بانک نگهداری شود، چون امن‌تر است. اگر ثبات اقتصادی نباشد ترجیح می‌دهم طلا بگیرم که از ارزش پول کاسته نشود. یعنی دو سال بعد که خواستم پولم را از بانک بگیرم ارزشش نصف نشده باشد اما طلا حداقل همان ارزش ثابت را داشته باشد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شش؛ ۵۴ ساله، کارمند استانداری).

پس‌انداز برای خلق ثروت کمتر دیده می‌شود، اگر درآمد از سطح متعارفی بالاتر برود، مصرف‌نمایی نمایان می‌شود و افراد به دنبال خودنمایی می‌روند، همچنین بیشتر به منافع آنی خود توجه دارند تا منافع آتی، به همین دلیل دیده می‌شود که هم در امر

پس انداز برنامه‌ی منسجم و هدفمندی در بین آنان دیده نمی‌شود و هم در امر تلاش برای کسب سرمایه نیز رفتاری به قول مصاحبه‌شونده‌ها، تنبل‌گونه و منفعلانه دارند و بیشتر به اندازه‌ی نیاز تلاش می‌کنند. در زیر به ذکر نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها می‌پردازیم:

"خانوم همیشه میگه هیچی هم نباشه بخوریم طوری ظاهر رو حفظ کنیم که فکر کنن مردم که وضعمون خوبه. مثلاً لباس سعی می‌کنیم خوب بپوشیم وسایل خونه اینا بیشتر از توانمون هست". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی سی و چهار؛ ۳۹ ساله، آزاد).

"تا ده سال دیگه معلوم نیست کی زنده است کی مرده. ترجیح میدم الان که تا جوانم درآمد متوسطی داشته باشم که بتونم از زندگیم لذت ببرم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی یازده؛ ۴۲ ساله، سوپر مارکت).

"آدم از یک قدم بعدش که بر می‌داره خبر نداره نمی‌دونه زندست یا مرده. اگه زمانی که می‌تونی زندگی با طراوتی داشته باشی رو با سختی سپری کنی دوران پیری لذت‌ها ارزش خودشون رو از دست می‌دهند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و یک؛ ۴۹ ساله، مربی باشگاه بدنسازی).

در بحث جمع‌آوری پول نیز یک نگاه بدبینانه و ترس نسبت به جمع‌آوری پول در جامعه‌ی کرمانشاهی حاکم است، یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"پول زیاد دردسر است چون استرس و فشار و فکر دارد. ولی در حد معقول خیلی هم خوب است". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).

از مصاحبه‌ی فوق این‌گونه به نظر می‌رسد که نوعی هراس از سرمایه و پول در عرصه‌ی عمومی در نگاه مصاحبه‌شونده‌ی فوق وجود دارد که دغدغه برخی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها نیز بوده است.

برخی دیگر از عوامل درونی که در کنش‌های اقتصادی به دلایل مختلف اثرگذارند، عبارتند از: تصور خیر محدود، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، توجه به عقل سلیم، نگرانی از وقوع کاهش عملکرد یا زیان مالی، نااطمینانی از انطباق نتایج واقعی با نتایج مورد انتظار و عدم ریسک‌پذیری.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها به این اشاره دارد که نفع در کارها از دیدگاه شهروندان کرمانشاهی بصورتی است که اگر کسی سود کند، دیگری می‌بایستی ضرر کند. این دیدگاه در نظر نظریه‌ی راجرز از آن تحت عنوان تصور خیر محدود اشاره می‌شود، که توسط این مصاحبه‌شونده به این صورت مطرح شده است:

"در این منطقه این دیدگاه هست که اگر من نفع می‌کنم دیگری باید ضرر بکند و این دیدگاه که دیگران می‌توندند نفع کنند و من هم نفع نمی‌کنم نیست، من خلی تلاش کردم در بین همکاران در بین دوستان ولی هیچ موقع جواب نداده".

این مصاحبه‌شونده در جای دیگر می‌گوید: "اینجوریه که مثلاً کسی حال نداره کاره کنه بعد انگار تو که داری کار می‌کنی سهم بقیه رو داری میخوری". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شانزده؛ ۵۰ ساله، پزشک).

"دیدگاه دیگران که افتضاست. تو پول در بیاری انگار از سر سفره بابای اونا چیزی ور داشتی چیزی از اونا کم شده". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و سه؛ ۴۱ ساله، دلال دلاری).

اکثر مصاحبه‌شونده‌ها در پاسخ به قرار گرفتن در صورتی که کاهش درآمد داشته باشند، بیشتر به صرفه‌جویی روی می‌آورند تا اینکه دست به طرح یک کار جدید یا شغل دوم یا هدایت کار به سمت و سوی درآمدزایی بزنند.

"مجبورم که کمتر خرج کنم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).

"سعی می‌کنم کل هزینه‌های زندگی رو به حداقل برسونم اگه باز کفایت نکنه سعی می‌کنم برای گذران امورات زندگی شاید مجبور بشم قرض بگیرم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هشت؛ ۳۷ ساله، کافی‌نت).

یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها در خصوص امکان گرفتن وام می‌گوید:

"اگه بشه صد میلیون وام می‌گیرم یه مغازه می‌زنم خرج زندگی و قسط وام در میاد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و نه؛ ۲۵ ساله، راننده تاکسی).

به نظر می‌رسد نوآوری و خلاقیت در کار حلقه‌ی مفقوده رفتارهای اقتصادی شهروندان کرمانشاهی باشد و زمانی که به درآمدی دست می‌یابند، خلاقیتی در توسعه‌ی کار دیده نمی‌شود و سرمایه را در بخش زمین و سرمایه‌های غیر منقول و غیر مولد هدایت می‌کنند.

تقدیرگرایی نیز یکی از عوامل مؤثر بر رفتار اقتصادی افراد است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در پاسخ به این سؤال که آیا افراد فقیر خودشان تلاش نکرده‌اند یا خواست خدا بوده می‌گوید: "خواست خدا بوده". همین مصاحبه‌شونده در جایی دیگر در پاسخ به نگرانی از ضربه‌ی اقتصادی در آینده می‌گوید: "همیشه به رضای خدا راضی بوده‌ام و نگرانی نداشتم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی نهم؛ ۶۲ ساله، بازرگان بازنشسته).

یکی از مسائلی که در متن مصاحبه نمایان بود هراس از نمایش سرمایه در عرصه‌ی عمومی و ترس از توقع مردم و انگشت‌نما شدن (خارج از محدوده‌ی مصرف‌نمایشی) به نوعی افراد را وادار می‌کند تا وارد فعالیت‌های دیگری که مشهود هستند، نشود، یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید: "در این شهر برعکسه، یعنی کسی که کار اقتصادی می‌کنه می‌خواد دیده نشه، در واقع رمز موفقیت در مطرح نشدن می‌داند، سرمایه‌گذاری بکند که نامشخص باشه و کسی ندونه چقدر داره، در شهر بزرگ می‌خواهند با برندسازی و مطرح شدن می‌خواهند عملاً درآمد خودشان رو زیاد کنند." (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شانزده؛ ۵۰ ساله، پزشک).

مصاحبه‌شونده‌ی دیگر می‌گوید: "کسی ندونه چقدر سرمایه‌داری بهتره. من حتی دوس ندارم زیاد پول بدست بیارم. پول باید به اندازه باشه. من توی یه شهر کوچک زندگی می‌کنم یعنی اگه بدونن خیلی پول‌دار هستی به شیوه‌های مختلف بهت نیش می‌زنن یا مدام چشمشون دنبال مالته و ازت پول می‌خوان، یا یه پاپوشی درست می‌کنن برات. توی این منطقه مردم ذهنیتشون اینه که اگه پول داری حتماً از راه خلاف بدستش آوردی. متأسفانه تنگ نظرند و ندونن وضعیت مالیتو بهتره." (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی سی و دو؛ ۵۷ ساله، فرش فروش).

ملاحظه می‌شود که نوعی فرار از عرصه‌ی عمومی برای نمایش ثروت وجود دارد. با وجود مصرف‌های نمایشی در بین طبقات متوسط و پائین اما انباشت سرمایه زیاد از نظر مصاحبه‌شونده‌ها همراه با ترس است.

برخی دیگر از پدیده‌های شناسایی شده که ذیل پدیده‌محوری الگوی ترسیم شده قرار می‌گیرد، مربوط به نوع فعالیت‌های اقتصادی افراد می‌باشد. سه گونه از بازار تحت عنوان بازار خدماتی، تولیدی و واسطه‌ای در محیط اقتصادی استان کرمانشاه وجود دارد. اندیشه‌ی کار تولیدی در استان کرمانشاه با آنچه در عمل اتفاق می‌افتد فاصله دارد. با وجود اذعان به اهمیت کارهای تولیدی اما گرایش به سمت کارهای واسطه‌ای و در مرتبه‌ی بعد کارهای خدماتی با درآمد مشخص است. به ذکر برخی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌پردازیم:

"کار دلالی است که خیلی‌ها این روزا به اون سمت رفتن، راحت‌ترین کار دلالی است که سوددهی بیشتری هم داره و ریسکی هم نداره، کار خدماتی در مرحله‌ی دوم است و ریسک کمتری دارد." (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شانزده؛ ۵۰ ساله، پزشک).

"این روزا کار دلالی خیلی بهتر از کار تولید جواب میده. کار تولیدی آمد نیامد داره ولی یه چیزی بخری یک ماه دیگه بفروشی خیلی بیشتر سود می کنی". (مصاحبه شونده‌ی شماره‌ی سی و چهار؛ ۳۹ ساله، آزاد).

دسته‌ی بعدی مربوط به نیازها و انگیزه‌های درونی کنشگران اقتصادی از قبیل انگیزه‌ی اقتصادی، انگیزه‌ی حمایتی، انگیزه‌ی احتیاطی، انگیزه‌ی انسانی و دینی، نیازهای خودشکوفای کننده، نیازهای فیزیولوژیک اولیه، نیازهای فیزیولوژیک ثانویه و نیازهای ایمنی می‌باشد که مشوق فعالیت‌های اقتصادی در بین شهروندان کرمانشاهی می‌شود.

در بین کسانی که به فکر توسعه‌ی کار خود نیستند و نگاهشون به پس‌انداز، جنبه‌ی سرمایه‌گذاری در آینده ندارد، برخی پس‌انداز را به‌عنوان تکیه‌گاهی برای کمک‌رسانی به خانواده و اقوام می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید: "علاوه بر نوسانات تصمیمات حکومتی، پس‌انداز یک پشتوانه و احساس دینی است که انسان نسبت به خانواده اقوام و نزدیکان دارد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی یک؛ ۶۰ ساله، مدیر کل بازنشسته).

"تا جایی که بتونم پس‌انداز می‌کنم. آدم پول داشته باشه مقداری به‌عنوان پس‌انداز احساس خوبی بهش میده. تازه پس‌انداز داشته باشی اگه کسی از خانوادت یا دوستات ازت قرض خواستن می‌تونی بهشون بدی که تو هم یه روزی گیر کردی کسی رو داشته باشی بهت پول قرض بده پس‌انداز کمک می‌کنه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی پنج؛ ۵۵ ساله، قالی‌باف).

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها نیز به دلیل هراس از آینده و با انگیزه‌ی احتیاطی دست به پس‌انداز می‌زنند.

"پس‌انداز برای موقع نیاز است یا برای این‌که اگر نتوانستم کار کنم استفاده کنم. چیزی که در صنف خودم می‌بینیم این است که همه نگران وضعیت اقتصادی هستند و برای همین پس‌انداز می‌کنند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و هفت؛ ۲۶ ساله، مغازه‌دار).

"پس‌انداز که داشته باشی حس خوبی داری، خیالت راحت‌تره که اگه یه دفعه‌ای مشکلی پیش بیاد از پیش بر می‌ای، زندگیه دیگه معلوم نیست فردا چی پیش میاد آدم باید پس‌انداز کنه که یه روز که لازم داشت استفاده کنه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی سیزده؛ ۴۲ ساله، خرازی).

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها به گونه‌ای از پس‌انداز اشاره نمودند که با آنچه به‌عنوان مفهوم پس‌انداز مرسوم است متفاوت است. در نگاه این افراد مقدار پولی که به‌طور منظم جهت کمک به افراد نیازمند پرداخت می‌کند نوعی پس‌انداز (اخروی) تعریف می‌شود، که معتقدند خداوند عوضش را در زمان نیاز به آنها خواهد داد، افراد زیادی دیده شده‌اند برای جلوگیری از به دام افتادن به دست پلیس نذرهای زیادی انجام می‌دهند و هر بار که بار (قاچاق) آنها به مقصد می‌رسد به زیارت مکان‌های مقدس می‌روند.

"من نظرم اینه که وقتی دست مستمندی رو می‌گیری خودش به جور پس‌اندازه، مطمئن باش امروز تو دست یکی که احتیاج داره رو بگیری کمکش کنی فردا خدا از یه جایی عوضش رو میده که فکرش هم نمی‌کنی. دنیا حساب کتاب داره". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و دو؛ ۶۳ ساله، بتا ساختمانی).

"اما خودم خیاطم اعتقادم اینه که آدم کار خیری انجام میده خودش پس‌اندازه برای دنیا و آخرت. من خیلیا میان مثلاً میدونم نیازمندن خودم پارچه براشون میخرم یه پیرهن محلی می‌دوزم بهشون میدم این از دستم میاد. میدونم خدا عوض این کار و میده. اینم یه جور پس‌اندازه، دعا کنه بچوات مریض نشه خوب پول خرج دوا و درمون نمی‌کنی تازه بهتر از پول پس‌انداز کردنه یه بار بری دکتر کلی باید پول بدی". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی پانزده؛ ۴۷ ساله، خیاط).

برخی از عوامل نیز ذیل عوامل اجتماعی به صورت چشم و همچشمی، حفظ طبقه‌ی اجتماعی، وابستگی به خانواده، بهبود وضعیت زندگی، کنش اقتصادی افراد را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. چشم و همچشمی یکی از الگوهای رفتاری شهروندان کرمانشاهی است، که بخشی از مصرف پس‌انداز آنان را به همراه دارد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها چشم به هم چشمی در مصرف را این‌گونه عنوان می‌کند:

"من یادم میاد تلویزیون رنگی هیچ کس نداشت مثلاً تا یکی از خانواده‌ها گرفتن، هر کی رفت خانه اونها بعد از ۶ ماه، یعنی اگر کلیه شونو فروختن رفتن گرفتن. جو اینجا اونجوریه، مثلاً اگه اون حرکت رو نمی‌زدن شاید الان تلویزیون نداشتند. یا عموم، قطعه زمین اون موقع ۳۰۰ هزار تومان بود یک میلیون و دویست هزار تومان داد یه خط موبایل، یعنی پول چهار قطعه که الان یک میلیارد می‌ارزه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و چهار؛ ۲۶ ساله، کشاورز).

یکی از مصاحبه‌شوندگان دلیل روی آوردن شهروندان به کارهای خلاف را در چشم و همچشمی می‌داند. "مثلاً میگن فلانی اومده خلاف کرده بهوبی مثلاً میلیاردری پولدار شده

مگه خوب میشناسن همدیگر رو، پسره کی بوده بابای من از اون بهتر بوده پولدارتر بوده، به این خاطر جان خودشو هموطناشونو به خطر میندازن که بگه بله به فلانی برسیم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی ده؛ ۵۰ ساله، گج‌کار).

مصاحبه‌ی فوق نشان می‌دهد که چشم به هم چشمی تنها در مصرف نیست بلکه در انتخاب کار و نحوه دست‌یابی به پول هم اثرگذار است.

برخی از مصاحبه‌شونده‌ها بر این عقیده‌اند که نوع کار باید به صورتی باشد که در شأن طبقه‌ی اجتماعی‌شان باشد. در این راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"من درسم تموم شد لیسانس دارم. یک سال دنبال کار گشتم کار پیدا نکردم مجبور شدم تاکسی بخرم با تاکسی کار کنم. واقعاً به آدم بر می‌خوره که لیسانس داشته باشی ولی بیای مسافركشی کنی ولی مجبورم. پدرم هم راضی نیست میگه همه میگن چرا پسر مسافركشی می‌کنه یه کاری کن. پدرم هم توی روستا زمین کشاورزی داره به فروش نمیره به قیمتش که بده بهم بتونم یه کار خوب ردیف کنم برای خودم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و نه؛ ۲۵ ساله، راننده تاکسی).

خانواده از دیگر عوامل اجتماعی اثرگذار بر کنش اقتصادی افراد است، در واقع از نگاه شهروندان کرمانشاهی خانواده یکی از موانعی است که توسط مصاحبه‌شونده‌ها به‌عنوان مانعی بر سر راه توسعه‌ی کار عنوان شده است. خانواده به دو صورت بر سر راه توسعه‌ی کار مانع ایجاد می‌کند. یکی بواسطه‌ی احساس مسئولیت فرد حتی بعد از استقلال از خانواده و تشکیل خانواده‌ی جدید می‌باشد، که در صورت دستیابی به سرمایه‌ی اولیه فرد بخشی از آن را به خانواده‌ی پدر و مادری اختصاص می‌دهد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید:

"من خیلی دوست دارم به خاطر کم امکانات بودن کنگاور، سهمی از آن را به خانواده‌ام بدهم. ایجاد اشتغال برای دو نفر از برادران بیکارم ایجاد کنم. بقیه‌ی پول را هم در مسکن سرمایه‌گذاری خواهم کرد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).

خانواده به گونه‌ای دیگر نیز بر سر توسعه‌ی کار و پیشرفت فرد مانع ایجاد می‌کند. بدین معنا که خانواده‌ها با محدود کردن فرد در حیطه‌ی فکری و نگرشی خانواده مانعی بر سر راه پیشرفت فرد ایجاد می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید:

"می‌تونم بگم خانوادم اگه به من اجازه می‌دادند مستقل عمل کنم، الان وضعیت خیلی بهتر بود. خانواده دست و پای آدم رو می‌بنده، دوس دارن همش جلوی چشمشون

باشی، این اجازه رو بهت نمیدن که محیط‌های کاری جدید رو تجربه کنی و راه و استعداد خودت رو پیدا کنی. مثلاً بچه رو میذارن مدرسه و اون رو محکوم می‌کنن به درس خواندن اونم توی رشته‌ای که برایش در نظر گرفتن. بابا اصلاً شاید این بچه استعدادش توی بازار باشه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و هشت؛ ۴۱ ساله، فروشنده).

یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید: "به نظرم یکی از موانعی که جلوی پیشرفت آدم رو می‌گیره و دست و پای آدم رو می‌بنده خانواده است. خانواده و مسئولیت در قبال خانواده باعث می‌شه که قدرت ریسک کردن آدم پائین بیاد و همیشه دنبال حداقل‌ها باشه برای حمایت از خانواده و از حرکت در مسیر پیشرفت باز بمونه". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هفده؛ ۴۰ ساله، استاد دانشگاه).

کار کردن فرزندان در استان کرمانشاه یک مسأله‌ای است که در مصاحبه‌ها به دو صورت موافق و مخالف کار انعکاس یافته است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در خصوص کار کردن فرزندان خود می‌گوید: "اگر انسان کار نکند اثر منفی آن در همه جا مشخص است که در زندگی شخصی و چه در زندگی اجتماعی از طرفی نابسامانی و لطمات روحی اقتصادی که در بیکاری وجود دارد بنده هم علاقه‌مندم که فرزندانم کار کنند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی یک؛ ۶۰ ساله، مدیر کل بازنشسته).

یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها معتقد است که خانواده‌ها تمایل ندارند فرزندانشان کار کند، و حتی کار کردن فرزندان را کسر شأن خانواده می‌دانند. ایشان در این باره می‌گوید: "مشکلی است که در فرهنگ ماست. من در تهران کار می‌کردم و در یک مجموعه ورزشی وسایل ورزشی می‌فروختم. بچه‌هایی با ۱۷ سال سن می‌دیدم که کار می‌کردند و دستشان در جیب خودشان بود. وضع خانواده‌شان هم بهتر از ما بود اما خودش کار می‌کرد و ماشین داشت که آرزوی مرد ۴۰ ساله در شهر ماست. خود خانواده‌های ما از بچگی کار کردن را مادون شأن خانواده می‌دانند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و هفت؛ ۲۶ ساله، مغازه‌دار).

یکی مصاحبه‌شونده‌ها اشاره به دلسوزی کردن در روابط خانوادگی دارد: "فرقی که اینجا هست با استان‌های دیگه، ناشی از این است که یه سری افراد در اینجا از سر دلسوزی اینطور فکر می‌کنند. مثلاً من خودم اینجوری‌ام، من دیدگاه هم اینه که من اگه یک روز اینجا کار کنم برابر ده روز کار کردن برادرم هست می‌گم عیب نداره بذار من یک روز کار بکنم اون ده روز بره استراحت کنه دقیقاً این دیدگاه خود من دارم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شانزده؛ ۵۰ ساله، پزشک).

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در خصوص کار فرزندان به دو مانع اشاره می‌کند یکی جنسیت و دیگر نگاه‌ها و حرف مردم. این مصاحبه‌شونده می‌گوید:

"دختر یا باید کار دولتی داشته باشه یا کار نکنه بهتره هزار جور حرف در میان مردم. فامیلای ما دنبال حرفند نمی‌شه آتو دستشون داد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و دو؛ ۶۳ ساله، بِنّا ساختمانی).

به دلیل اینکه فرهنگ کار، برای خلق ثروت نهادینه نشده و عموماً به دنبال کسب درآمد برای گذران زندگی و یا مصرف‌نمایی هستند، وقتی یک خانواده به سطح نسبی از رفاه و درآمد می‌رسد، نیازی به کار کردن فرزندان نمی‌بیند، به نظر می‌رسد دلسوزی کردن برای اینکه فرزندان دچار مشقت کار نشوند و همچنین نگاه‌های مردم به کار فرزندان، از نگاه برخی از مصاحبه‌شونده‌ها مانعی بر سر کار کردن فرزندان می‌باشد.

راهبردها، طرح‌ها و کنش‌ها

قضیه‌ی پنجم در مدل طراحی شده، مربوط به مقوله‌ی راهبردها، طرح‌ها و کنش‌های الگوی پارادایمی می‌باشد. مفاهیم مربوط به این راهبردها، طرح‌ها و کنش‌ها در ترسیم کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی در سه دسته قرار می‌گیرند. دسته‌ی اول از راهبردها، در کنش اقتصادی پس‌انداز می‌باشد، که به صورت‌های مختلف از قبیل پس‌انداز در قالب کالا، پس‌انداز در قالب بیمه، پس‌انداز در قالب افزایش سرمایه‌ی کاری، پس‌انداز در قالب وام، پس‌انداز نقدی و سپرده، پس‌انداز بصورت طلا و مسکوکات، خرید ملک و خرید اقساطی به پس‌انداز و انباشت سرمایه منجر می‌شود.

در راستای پس‌انداز در قالب افزایش سرمایه‌ی کاری یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید: "من پول رو پس‌انداز می‌کنم که بتونم یه کارخانه تولید ظروف یکبار مصرف بزنم. همه چی رو بررسی کردم بازار مواد اولیه و بازار فروش و مکان و همه چی رو بهش فکر کردم می‌تونم جور کنم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و سه؛ ۴۱ ساله، دلال دلار).

پس‌انداز به انگیزه‌ی راه‌اندازی یک کار تولیدی، بصورت نگاهی غالب در بین مصاحبه‌شونده‌ها دیده نمی‌شوند و اندک مصاحبه‌شونده‌هایی که این‌گونه فکر می‌کنند بیشتر به کارهای تولیدی خرد و محدود می‌اندیشند، که به صورتی فردی صورت می‌گیرد. اما نگاه قالب در پس‌انداز که در مصاحبه‌ها بسیار دیده می‌شود، پس‌انداز به صورت نقدی،

سپرده‌ی بانکی، خرید قسطی، خرید ملک، خرید طلا، بیمه‌ی عمر و ... صورت می‌گیرد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

"اگر وضعیت اقتصادی باثبات باشد، بهتر است در بانک نگهداری شود چون امن‌تر است. اگر ثبات اقتصادی نباشد ترجیح می‌دهم طلا بگیرم که از ارزش پول کاسته نشود. یعنی دو سال بعد که خواستم پولم را از بانک بگیرم ارزشش نصف نشده باشد اما طلا حداقل همان ارزش ثابت را داشته باشد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شش؛ ۵۴ ساله، کارمند استانداری).

"بزرگترین پس‌اندازم، با توجه به اینکه یک فرزند دارم، بیمه‌ی عمر و سرمایه‌برایش گرفتم که وقتی به بیست سالگی رسید یک مبلغی به ما بدهند". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).

دسته‌ی دیگر از راهبردها که در مصاحبه‌ها دیده می‌شود مربوط به آن دسته از رفتارهای اقتصادی می‌باشد که به دلایل مختلف از قبیل سهولت درک شده، ریسک درک شده و سودمندی درک شده شکل می‌گیرد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها سهولت و ریسک درک شده از کار واسطه‌ای را این‌گونه مطرح می‌کند:

"کار دلالی است که خیلی‌ها این روزها به اون سمت رفتن، الان با تدبیری که نظام جمهوری اسلامی در پیش گرفته راحت‌ترین کار دلالی است که سوددهی بیشتری هم داره و ریسکی هم نداره، کار خدماتی در مرحله‌ی دوم است و ریسک کمتری دارد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی شانزده؛ ۵۰ ساله، پزشک).

یکی دیگر از مقوله‌های شناسایی شده سودمندی درک شده است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در این راستا می‌گوید:

"از لحاظ اخلاقی کار تولیدی بهترین کار است ولی با توجه به شرایط تحریم و وضعیت اقتصادی و نوسانات قیمت و مشکلات تأمین اجتماعی و دارایی صرفه‌ی اقتصادی ندارد". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هیجده؛ ۴۰ ساله، کارمند و عضو شورای شهر).

"کار تولیدی آمد نیامد داره و خیلی به نوسانات بازار مربوطه یه دفعه‌ای دیدی یه سنگی جلو پات گذاشتن اداراتی که باهاشون در ارتباطی یا کلی مالیات می‌بندن بهت خلاصه اینکه نفست رو می‌گیرن از پس حقوق کارمندان هم بر نمیایی. کار تولیدی توی جامعه‌ی ما محکوم به شکسته". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و یک؛ ۴۹ ساله، مربی باشگاه بدنسازی).

سودمندی درک شده از تولید به تنهایی نمی‌تواند محرکی برای کنشگران جهت سوق به سوی کنش اقتصادی شود. کار تولیدی، از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها کاریست که با ریسک بالایی همراه است، که با استناد به مصاحبه‌ها منجر به توجه به جنبه‌های دیگر پس‌انداز از قبیل خرید سرمایه‌های منقول و غیر منقول می‌شود.

دسته‌ی سوم از راهبردهای الگوی کنش اقتصادی مربوط به مدیریت پس‌انداز و سرمایه، اعتبار استفاده از سرمایه‌ی دیگران و توانایی انجام کاری برای اولین بار می‌باشد. مدیریت و استفاده از پس‌انداز به گونه‌های مختلف در بین مصاحبه‌شونده‌ها صورت می‌گیرد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در صورت افزایش درآمد و سرمایه‌ی حاصل از کار اینگونه اظهار نظر می‌کند:

"دوباره بر می‌گردونیم توی زمین‌های کاری خودمون صرفش می‌کنیم. توسعه میدیم خارج از اینجا. کمک می‌کنیم. مثلاً به‌عنوان قرض یا وام یا هر چیزی مثلاً میدیم به کسانی از روستا که زمین‌دارن می‌گیم زمین که دارید حالا لوله بگیرید و وسایل لازم که حالا ۳۰ یا ۴۰ نفر هم اونجا مشغول به کار میشن". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی هفت؛ ۵۸ ساله، پرورش‌دهنده‌ی گل محمدی).

مصاحبه‌شونده‌ای که به کار خبرنگاری، بصورت آزاد، مشغول بود، عنوان کرد در صورت کاهش درآمد:

"بخش‌هایی از کار را تعطیل می‌کنم. مثلاً نیروی کار را تعدیل کنم یا روزنامه را تعطیل می‌کنم". (مصاحبه‌شونده‌ی شماره‌ی بیست و پنج؛ ۳۹ ساله، خبرنگار).

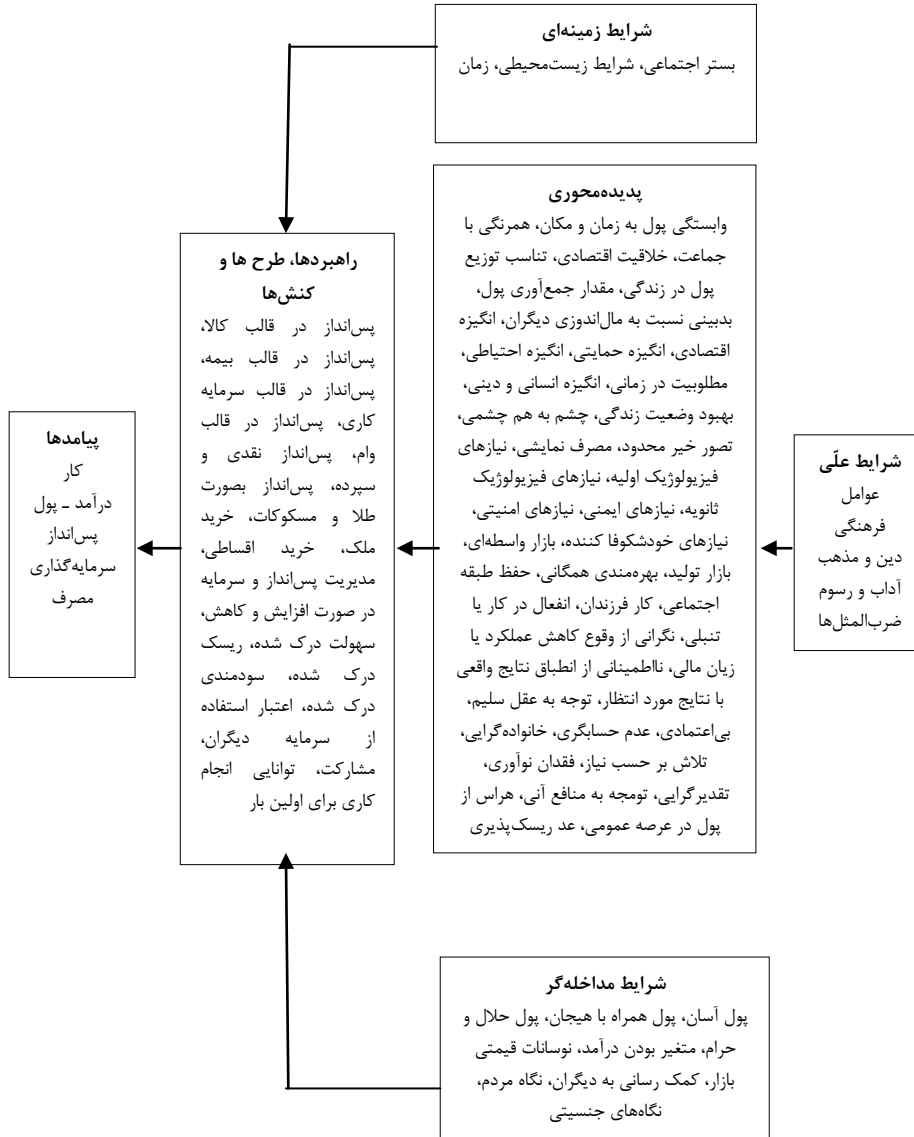
ملاحظه می‌شود که مصاحبه‌شونده‌ی فوق، کوچک کردن کار را سیاستی برای مقابله با کاهش درآمد می‌داند. عدم روحیه‌ی نوآوری و تسلیم در مقابل شرایط، در رفتار این مصاحبه‌شونده، او را از هدایت به سمت تلاش برای یافتن راهی که بتواند بر این چالش غلبه کند باز می‌دارد و در واقع با تعطیل کردن بخشی از کار، با کم کردن سود سطح توقعات خود را کاهش می‌دهد.

پیامدها

آخرین قضیه در مدل پارادایمی تهیه شده، پیامدهای حاصل از مفاهیم و مقولات مندرج در مدل می‌باشد و در واقع خروجی نهایی الگوی پارادایمی از کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی است. در این قسمت حاصل کنش اقتصادی افراد در قالب پس‌انداز، مصرف، سرمایه‌گذاری و کار منجر به انباشت سرمایه و پول می‌گردد؛ که در قالب عوامل

فرهنگی که بصورت گزاره‌هایی در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پدیده‌محوری و راهبردهایی گزارش گردید.

مدل فرهنگی از کنش اقتصادی شهروندان کرمانشاهی



بحث و نتیجه گیری

هر چند در بخش‌هایی محدود از مراکز شهری در استان کرمانشاه که از قدیم‌الایام در محور راه ابریشم و مسیر زیارتی کربلا قرار دارد، بواسطه‌ی مواجهه‌ی طولانی با مقوله‌ی بازرگانی، مهارت‌هایی با رویکردی عقلایی و محاسبه‌گرانه شکل گرفته است، اما همچنان که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت، این استان به دلیل تغییر مکان روستاییان به شهرها، در طی ۳ دهه‌ی اخیر، کماکان جامعه‌ای سنتی است که کنشگران در آن بر اساس خرده فرهنگ‌های روستایی دست به کنش می‌زنند و در مشاهده‌ی عمیق رفتار کنشگران مختلف، این امر نمود جدی دارد. لذا برای دستیابی به فهمی از عوامل مؤثر بر کنش اقتصادی آنها و نگاهشان به مقوله‌ی پس‌انداز لازم است در بررسی کنش‌ها بیشتر بر آداب و رسوم گذشته و متأثر از فرهنگ روستایی متمرکز شد. مهم‌ترین زمینه‌های فرهنگی شناسایی شده در رفتار اقتصادی شهروندان کرمانشاهی، دین و مذهب، آداب و رسوم و ضرب‌المثل‌ها می‌باشند. چنین از دل مصاحبه‌ها بر می‌آید که فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان کرمانشاهی بر منطقی آن جهانی استوار است، که به وضوح می‌توان آن را در تمامی جنبه‌های زندگی آنان دید و همین امر کنش اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار داده است. این منطق آن جهانی از طریق امور مذهبی، آداب و رسوم که به بعضاً به شکل ضرب‌المثل‌ها نمود یافته‌اند، به رفتار اقتصادی افراد جهت می‌دهد. به گونه‌ای که در متن مصاحبه‌ها نیز نمایان بود که فاصله گرفتن برخی از مصاحبه‌شونده‌ها از این عوامل، به کنش‌های اقتصادی‌شان بیشتر صبغی عقلانی داده است. وبر در تحلیل اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری، فکت‌هایی را از پروتستانیسیم استخراج نمود که افراد را به سمت سرمایه‌داری سوق می‌داد. اما یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که برداشت ثابتی از آموزه‌های دینی در رفتارهای اقتصادی در بین شهروندان کرمانشاهی وجود ندارد و عموم برداشت‌ها نیز حول بی‌اعتنایی به دنیا و اینکه خداوند خود به فکر آنهاست و لزومی به برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای احتمالی آتی نیست که در اکثر موارد به شکل ضرب‌المثل ظاهر می‌شود. به‌عنوان مثال این ضرب‌المثل که «امروز بگذرد تا فردا خدا بزرگ است» به دو صورت متفاوت بین کنشگران انعکاس داده می‌شود. در حالی که عده‌ای از آن به‌عنوان الگویی برای تحمل سختی‌ها و تلاش برای دسترسی به موفقیت استفاده می‌کنند، برای عمده مردم نوعی انفعال را به همراه دارد. اما نگاه غالب این است که علاقه و توجه مردم کرمانشاه، همواره در راستای دنیای ازلی قرار می‌گیرد. نگاه آنها به کار این چنین است که نفس کار، سرمایه و پول آنها را لزوماً در وادی رضایت الهی و کسب جایگاه والا در دنیای دیگر رهنمون نمی‌سازد، و این درست عکس آن چیز است که وبر در تبیین کار در اخلاق پروتستان ارائه می‌دهد. لذا نگاه مذهبی در پروتستان منجر به کار بیشتر می‌شود، اما بررسی مصاحبه‌ها در این پژوهش حاکی از شکل‌گیری نوعی انفعال در بین مردم است که

نتیجه‌اش همه چیز را به تصادف و سرنوشت سپردن است. بنابراین به نظر می‌رسد مذهب و آموزه‌های دینی تحت‌شعاع انگاره‌های ذهنی کنشگران قرار می‌گیرد و به صورت ساختاری منسجم عمل نمی‌کند. اثرگذاری انگاره‌های ذهنی برآمده از نظام شخصیتی افراد می‌باشد که در نظریه‌ی اقتصاد رفتاری مورد تأکید قرار گرفته است. در کنار این انگاره‌های ذهنی نوعی از خانوادگی‌گرایی به‌عنوان مانعی بر سر راه کنش‌های اقتصادی از سوی مصاحبه‌شونده‌ها مطرح گردید که ذیل رویکرد اقتصاد رفتاری قابل تبیین می‌باشد. بدین معنا که درگیر شدن در احساسات، عواطف و دلسوزی برای خانواده که به شکل وقف کردن خود برای خانواده نمایان می‌شود، مانعی جدی بر سر راه گسترش فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد، هر چند برخی مصاحبه‌ها نشان از تغییر نگرش افراد به سمت ثروت‌اندوزی دارد، اما به دلیل نداشتن نگاه اقتصادی عموماً منتج به تولید و درآمد مؤثر نشده است.

تقدیرگرایی، مؤلفه‌ی تأثیرگذار دیگری است که رفتار اقتصادی مردم کرمانشاه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. تقدیرگرایی، یادآورد نظریه‌ی خرده فرهنگ دهقانی راجرز می‌باشد. تقدیرگرایی در بخش قابل توجهی از این منطقه درونی شده است و نوعی انفعال و روزمرگی را در زندگی و کنش‌های افراد به آنان تحمیل نموده است. هدف و غایت تمامی فعالیت‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری، کسب ثروت است که شاخص آن پول می‌باشد. لذا یکی از برجسته‌ترین و شاخص‌ترین عناصر در چنین نظامی، موفقیت در رسیدن به پول است اما موفقیت در میان مردم کرمانشاه، بر پایه‌ی پذیرش اجتماعی و رضایت خداوند می‌باشد. بنابراین در اینجا شکاف عمیقی میان نگاه‌های سرمایه‌دارانه که موفقیت را در گرو داشتن پول و ثروت و نگاه‌های مردمان این منطقه که موفقیت را در گروه پذیرش اجتماعی و رضایت خداوند (نه به معنایی که وبر از رضای الهی در اندیشه‌ی پروتستان ارائه می‌دهد) می‌دانند وجود دارد، لذا زمینه‌های فرهنگی، دینی و قومی آنان به لحاظ نظری با روح سرمایه‌داری در یک شاهراه قرار نمی‌گیرد و این گسست در واقع هر گونه کنش عقلانی در وادی اقتصاد را با چالش جدی مواجه می‌سازد. اما نظر به آگاهی و ارتباط با فرهنگ‌های دیگر و آشنایی با دنیای مدرن تغییراتی در مفهوم پول در طول زمان صورت گرفته که به نظر می‌رسد توانسته است تا حدودی شهروندان کرمانشاهی را به سمت کنش‌های عقلانی سوق دهد. از نظر اینگلهارت فرهنگ و ارزش‌ها، به نسبت تحولات جامعه در طول زمان با تغییراتی همراه هستند. ذیل این دیدگاه اینگلهارت، فرهنگ کار و نوع نگاه شهروندان کرمانشاهی به پول، کار و سرمایه‌گذاری دستخوش تغییراتی شده است اما در کل می‌توان گفت که شهروندان کرمانشاهی در کنش‌های خود به‌طور مبهمی به آمیزه‌ای از کنش‌های عقلانی و غیر عقلانی دست می‌زنند، که بیشتر صبغه‌ی غیر عقلانی دارد. در کنش غیر عقلانی نیز بر دو اساس رفتار می‌کنند. ابتدا کنشی که برآمده از احساسات آنها می‌باشد در کار نمایان می‌شود و یا اینکه کنش متأثر از دیدگاه‌های سنتی می‌باشد که سالیان متوالی

است که با آن زندگی می‌کنند، و به شکل عادت درآمدی است. در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که فرهنگ مردم کرمانشاه برآمده از نظام معیشتی این منطقه در طول تاریخ که کشاورزی و دامداری بوده، می‌باشد. در نظام معیشتی، تمام توجه‌ها به آسمان دوخته می‌شود، بدین معنا که در صورت بارندگی مناسب می‌توان امیدوار بود که محصولات کشاورزی و تولیدات دامی سبب کسب سرمایه برای کشاورز گردد و از طرفی این نظام معیشتی فصلی می‌باشد. بنابراین این دو جنبه از زندگی کشاورزی مانعی بزرگ بر سر راه شکل‌گیری محاسبه‌گری و عقلانیت که برآیند نظام صنعتی و سرمایه‌داری است، می‌باشد. همان‌گونه که سومبارت یادآور می‌شود در نظام صنعتی که بر پایه‌ی تجارت استوار است، فرد می‌تواند با محاسبه‌گری و سبک و سنگین کردن، سود حاصل از تجارت را بررسی و گزینه‌ای که بیشترین سود را برای او به ارمغان می‌آورد انتخاب نماید، اما در نظام کشاورزی همه چیز بستگی به شرایط اقلیمی دارد. همچنین مقداری از سود حاصل از کار کشاورزی و دامداری، می‌بایستی فصول بیکاری کشاورز را با توجه به فصلی بودن این شغل پوشش دهد، بنابراین قسمت اعظمی از سود حاصل از کار کشاورزی خارج از دسترس کشاورز و قابل محاسبه‌گری و برنامه‌ریزی نمی‌باشد، به گونه‌ای که در متن مصاحبه‌ها نیز این عامل پس‌انداز افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است. بنابراین عدم توان محاسبه‌گری شکل‌گیری سرمایه‌گذاری را در این منطقه با چالش جدی مواجه کرده است. در این راستا با کارهای صورت گرفته توسط دولت مبنی بر ایجاد مشوق برای بیمه‌ی روستاییان و سرمایه‌های دامی و کشاورزی آنها و نیز ورود نسل جوان تحصیل‌کرده‌ای که اندکی متفاوت می‌اندیشد، شهروندان کرمانشاهی به طرق مختلف راهبردهایی از قبیل خرید کالا، بیمه، استفاده از وام، خرید ملک، خرید اقساطی و مدیریت سرمایه برای پس‌انداز کردن اتخاذ می‌کنند، و از کانال‌هایی از قبیل سهولت درک شده، ریسک درک شده، سودمندی درک شده، اعتبار استفاده از سرمایه‌ی دیگران، مشارکت و توانایی انجام کار جدید می‌توانند دست به کنش اقتصادی گسترده بزنند. از آنجائی که پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است پیشنهاد می‌شود که محققان آتی به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی کنش افراد توجه نمایند و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر تحلیل گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد دولت با ایجاد کارگاه‌های خلاقیت هدفمند، نسبت به آموزش افراد مستعد اقدام نماید، راه دیگر ایجاد هلدینگ‌هایی است که می‌توانند زنجیره‌ی ارزش را در استان ایجاد نمایند تا بتوان نوسانات زندگی این سبک غالب معیشتی (دامداری و کشاورزی) را پوشش داد، ترویج کار و کارآفرینی و تشویق ثروت‌اندوزی بوسیله‌ی متولیان مذهبی راهکاریست که اگر عملیاتی شود، می‌تواند انگیزه‌ی مناسبی در بین مردم برای حرکت به سمت کنش اقتصادی محاسبه‌گرانه و عقلایی ایجاد نماید. در عین حال دولت زمینه‌سازی مناسب را برای گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد با رویکرد توسعه‌ی فعالیت‌های اقتصادی فراهم نماید.

References:

Abrahamian, E. (1998). *Articles in Iranian Political Sociology*, Translated into Persian by Soheyla Torabi, Tehran, Shirazeh Publication. (Persian).

Abrahamian, E. (1998). *Iran Between Two Revolutions*, Translated into Persian by Ahmad Gol Mohamadi and Mohamad Ebrahim Fatahi, Tehran, Ney Publication. (Persian).

Abrahamian, E. (2008). *A History of Modern Iran*, Translated into Persian by Mohammad Ebrahim Fatahi, Tehran, Ney Publication. (Persian).

Ashraf, A. (1980). *Historical Obstacles to the Growth of Capitalism in the Qajar Period*, Tehran, Zamineh Publication. (Persian).

Bazargan, M. (Untitled). *Iranian Compatibility (Chapter Join to the Spirit of Nations)*, Tehran, Payam Azadi Publication. (Persian).

Developing a Descriptive-Analytical Document on Development Problems of Kermanshah Province, Kermanshah Development Road Map (2013). Kermanshah Governorate, Administrator: Kermanshah Academic Jihad. (Persian).

Foster, G. M. (1965). "Peasant Society and the Image of Limited good", *American Anthropologist*, Vol. 67. No. 20.

Inglehart, R & Wlzel, C. (2005). *Modernization, cultural change and democracy: the human, development sequence*, Cambridge university press.

Johnson, R. B. (1997). "Examining the validity structure of qualitative research", *Education*, 118(2), 282.

Katouzian, M. A. (2007). *Iran's political economy from constitutional to the end of the Pahlavi dynasty*, Translated into Persian by Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, Tehran, Markaz Publication. (Persian).

Lewis, O. (1960). *Tepoztlan: Village in Mexico*, N.Y.Hoit.

North, D. (1997). "Cliometrics: 40 Years Later", *The American Economic Review*, Vol.87, No.2, pp.412-414.

Rogers, E. (1969). *Modernization Among Peasants*. N.Y. Holt.

Sombart, W. (2011). *The Jews and Modern Capitalism*, Translated into Persian by Rahim Ghasemiyan, Tehran, Saghi Publication.

Strauss A. & J. Corbin (1990). *Basics of Qualitative Research; Grounded: Theory procedure and technique s. sage publication*, London.

Tabatabaee, J. (2001). *On Iran: An Introduction to the Theory of Decline of Iran*, Tehran, Negahe Moaser Publication. (Persian).

Thaler, Richard H. (2016). *Misbehaving: The Making of Behavioral Economics*, Published June 14th 2016 by W. W. Norton Company.

Weber, M. (1930). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*, Translated into English by Talcott Parsons.

Weber, M. (1978). *Economy and Society*, University of California Press.

Cultural Context of Economic Action (Case Study: Of Kermanshah Province)

Sharif Khosravi Tarazak¹, Abotorab Talebi (Ph.D)²

Ali Entezar (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2021.16829

Abstract:

The present study is entitled "Cultural context of economic action" with the aim to explore and provide a model of cultural contexts of economic action among Kermanshah' citizens. The research literature is also inspired by neoclassical economics, the theories of Ronald Inglehart, Christine Welzel, Max Weber, Werner Sombart, and the theory of the Peasant Sub-Culture. The research method is qualitative. The data collection technique was also a semi-structured interview. The interview reached theoretical saturation after conducting among 35 purposeful selected individuals. Data encoding is also in three forms of open, axial and selective coding, and the extracted codes are compiled based on Strauss and Corbin logic in the form of a template. To assess the validity of the experts and to assess the reliability, we have tried to retest the method of work (Test-Retest Reliability). The results showed that the paradigmatic pattern of Kermanshah' citizens economic actions are influenced by various cultural factors such as religion, customs and proverbs. The effectiveness of these factors is influenced by the contextual factors that are most spatially and temporally relevant, also the interference conditions that related to the individual's inner and social attitudes. The next theme in the designed model was the axial phenomenon. The concepts related to the axial phenomenon in economic actions of Kermanshah' citizens fall into five categories (nature of money in time and place, internal factors of economic behaviours, social factors of economic behaviours, type of capital accumulation, and type of economic activities). Finally, strategies based on prior theorems lead to the consequences that economic action has on the mental readiness of actors to deal with money, labour, and savings.

Key Concepts: Economic Action, Labour, Savings and Investment

¹ PhD student in Cultural Sociology at Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), belvasi4@yahoo.com

² Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, riever@gmail.com

³ Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, ali@entezari.ir



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).